

۱۶۲/۲

نام درس: انگلیسی ۴	کد: ۴۳	تعداد واحد: ۳	۱۶۲/۱
پیش نیاز: انگلیسی ۳	کد: ۳۳	هم نیاز: ندارد	

الف - منابع مطالعه

۱ - کتاب Counsels of Perfection تألیف Genevieve Coy چاپ Oxford - George Ronald

(ارسال می گردد)

۲ - جزوه درسی / (ارسال می گردد)

ب - ضمائم

ندارد

ج - ارزشیابی

۱ - امتحانات:

- ماهانه اول (هفته چهارم / ۱۰ نمره)

- میان ترم (هفته نهم / ۳۵ نمره)

- ماهانه دوم (هفته سیزدهم / ۱۰ نمره)

- پایان ترم (هفته هجدهم / ۴۵ نمره)

۲ - تکلیف:

ندارد

مخصوص جامعه بهایی است.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	۱ - شناسنامه درس
۲	۲ - فهرست مندرجات
۳	۳ - برنامه مطالعه هفتگی
۳	۴ - مقدمه
۳	۵ - اهداف
۴	۶ - معرفی منبع درس
۴	۷ - روش مطالعه
۶	۸ - ارزشیابی
۷	۹ - توضیحات ارتباط درس با سایر دروس
۸	۱۰ - Glossory
۵۳	۱۱ - اصل بعضی از نصوص مبارکه
۶۰	۱۲ - لیست تعدادی کتب انگلیسی برای مطالعه دانشجویان
۶۲	۱۳ - تمرینات
۸۶	۱۴ - جواب تمرینات

برنامه مطالعه هفتگی

فصل	هفته	فصل	هفته
هشتم به انضمام لغات و تمرینات	دهم	اول به انضمام لغات و تمرینات	اول
نهم به انضمام لغات و تمرینات	یازدهم	دوم به انضمام لغات و تمرینات	دوم
دهم به انضمام لغات و تمرینات	دوازدهم	سوم به انضمام لغات و تمرینات	سوم
یازدهم به انضمام لغات و تمرینات	سیزدهم	چهارم به انضمام لغات و تمرینات	چهارم
□ امتحان ماهانه دوم		□ امتحان ماهانه اول	
دوازدهم به انضمام لغات و تمرینات	چهاردهم	پنجم به انضمام لغات و تمرینات	پنجم
سیزدهم به انضمام لغات و تمرینات	پانزدهم	ششم به انضمام لغات و تمرینات	ششم
دوره	شانزدهم	هفتم به انضمام لغات و تمرینات	هفتم
دوره	هفدهم	دوره	هشتم
● امتحان پایان ترم	هجدهم	● امتحان میان ترم	نهم

مقدمه

دانشجوی عزیز شما در جریان مطالعه درس انگلیسی ۳ به درک متونی در سطح متوسط *intermediate* مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحات امری موفق شده‌اید و مهارتهایی در اثر حفظ معانی اصطلاحات و حل تمرینات به دست آورده‌اید که می‌توانید بخوبی از آنها استفاده نمایید.

در این ترم درس انگلیسی ۴ مورد مطالعه و بررسی شما قرار خواهد گرفت. امیدواریم که با تلاش مستمر و مداوم و با استفاده از اساتید، معلمان و امکانات موجود در جامعه در زمینه آموزش انگلیسی، بتوانید با موفقیت هر چه بهتر و بیشتر به مهارتهای مورد نظر در درس انگلیسی ۴ دست یابید.

اهداف

۱ - هدف کلی: فهم و درک متون انگلیسی و مضامین مطالب امر مبارک، به منظور استفاده از آنها در فهم آثار و تألیفات امری به زبان انگلیسی

۲ - اهداف رفتاری: پس از اتمام این درس دانشجو قادر خواهد بود:

۱ - ۲ - معادل فارسی اصطلاحات و مفاهیم امری انگلیسی را بنویسد.

۲ - ۲ - متون امری انگلیسی را از تألیفات مؤلفین در سطح بالاتر از سطح متوسط

(Post-intermediate) درک کند.

۲-۳- به کمک درک خود از متون پاسخ سؤالاتی را که از متن داده می شود تشخیص دهد.

معرفی منبع درس

کتابی که برای مطالعه و نیل به اهداف این درس در نظر گرفته شده است کتاب *Counsels of perfection* تألیف خانم *Genevieve Coy* می باشد. این کتاب مشتمل است بر مطالب زیادی پیرامون فضائل اخلاقی و تعالیم اجتماعی امر مبارک که بطور کاربردی توضیح داده شده است. بنا بر این با مطالعه مستمر این درس علاوه بر درک متون امری انگلیسی با نگرشی از تعالیم اجتماعی آشنا خواهید شد که می تواند در خدمات امری در مواقع ضروری مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر کتاب که متن اصلی و محوری مطالعه است تعداد زیادی از لغات و اصطلاحات معنا شده است و معادل مناسب فارسی مشخص شده است تا دانشجو را در فهم سریعتر مطالب کمک نماید. همچنین برای هر فصل نیز تمرینات متعددی تهیه شده است تا دانشجو با انجام آنها مهارت های خود را افزایش دهد.

روش مطالعه

- سه واحد درس زبان انگلیسی ۴ در این ترم برای تقریباً ۶ ساعت برنامه ریزی هفتگی در نظر گرفته شده است. گرچه سرعت یادگیری افراد بسیار متفاوت می باشد، بهترین روش مطالعه درس، خواندن مستمر و تدریجی مطالب بر اساس زمانبندیهای هفتگی مطالعاتی می باشد. لذا:
- ۱- ابتدا درس هفتگی را به صورت اجمالی مطالعه نمایید تا با مطلب آشنا شوید.
 - ۲- سعی کنید با استفاده از متن (context) با توجه به آنچه که در درس انگلیسی فرا گرفته اید معنی لغاتی را که نمی دانید حدس بزنید.
 - ۳- معانی لغاتی را که پسوند یا پیشوند دارند با توجه به مطالبی که در درس قبل فرا گرفته اید حدس بزنید.
 - ۴- چنانچه با توجه به دوروش فوق نتوانستید معنی کلمه را متوجه شوید به راهنما مراجعه کنید.
 - ۵- معنی لغات جدید را با نوشتن و تکرار کردن یاد بگیرید و از بر کنید.
 - ۶- مجدداً متن را بخوانید و دقت کنید که این لغات در متن چگونه به کار رفته اند. یاد گرفتن معانی لغات با توجه به متن باعث می شود که بهتر در ذهن باقی بماند و بعداً از آنها راحت تر در مطالعات خود استفاده کنید.

حتی الامکان سعی نمایید مطالب را بطور مستمر و تدریجی مطالعه نموده و از روی هم انباشته نمودن و مطالعه فشرده مطالب جداً پرهیزید زیرا در حالت اخیر مطالب فرا گرفته شده بسرعت از خاطر محو خواهند شد. اصطلاحات امری را دقت کنید که بخوبی فراگیرید علی الخصوص اصطلاحاتی که به صورت چند کلمه است باید با هم فرا گرفته شود مانند: **Removal of Prejudice** (ترک تعصبات) تا براحتی بتوانید از آنها استفاده کنید. چنانچه ممکن است اصطلاحات امری و معادل آنها را در دفترچه جداگانه‌ای یادداشت بفرمایید. سعی نمایید نصوصی که اصل آن را به زبان فارسی دارید حتماً با هم مطابقت کنید تا معادلهای دقیق را متوجه شوید و آنها را باخاطر بسپارید.

طرز مطالعه نصوص:

در مطالعه نصوص به زبان انگلیسی موجود در کتاب توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱ - حضرت ولی امرالله در ترجمه آثار طلعات مقدسه به زبان انگلیسی از سبک مربوط به قرون ۱۷ و ۱۸ که در ترجمه کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) به کار رفته استفاده نموده‌اند. این روش بعدها توسط دارالانشاء بیت العدل اعظم دنبال شده است.

۲ - این سبک در مواردی از نظر لغت و گرامر با انگلیسی امروزه متفاوت است، که چند مورد آن ذیلاً متذکر می‌گردد:

الف) در این سبک برای ضمیر دوم شخص مفرد فاعلی "Thou" و ضمیر مفعولی و مضاف الیهی "thee" ضمیر انعکاسی "Thyself"، ضمیر ملکی "Thine" و صفت ملکی "Thy" استفاده می‌گردد.

ب) در صرف افعال در حالت دوم شخص مفرد به آخر فعل "t" یا "st" یا "est" اضافه می‌شود. مثل: didst - art - wouldst - wert - dost - wilt - wouldst.

ج) در صرف فعل در حالت سوم شخص مفرد به آخر فعل "th" یا "eth" اضافه می‌شود مثل: doth یا doeth یا cometh.

د) در فعل نهی به آخر فعل امر not اضافه می‌شود و از don't استفاده نمی‌گردد مثل: دم مزن - لا تنفس don't breath بجای breath not.

ه) در فعل نفی نیز گاهی اوقات فعل کمکی حذف می‌گردد مثل:

The wise are they who speak not until they obtain a hearing.

(حکمای عباد آنانند که تا سمع نیابند لب نگشایند.) بجای (Who don't speak).

و) گاهی اوقات از ضمائر ملکی بجای صفت ملکی استفاده می‌شود مثل: (بخششت) Thy bounty بجای Thine bounty.

ز) ضمائر و بعضی کلمات راجع به ذات الهی و مظاهر مقدسه با حروف بزرگ شروع می‌شوند.

ح) دوم شخص مفرد از فعل have در زمان حال ساده hast

hath	سوم شخص مفرد از فعل have در زمان حال ساده
wast	دوم شخص مفرد از فعل was
canst	دوم شخص مفرد از can
art (= are)	دوم شخص مفرد از be زمان حال

توصیه برای مطالعه

۱ - برای این درس تکلیفی که برای مرکز ارسال شود در نظر گرفته نشده ولی برای آنکه این درس به شما کمک کند که بتوانید از آن در میادین بین المللی استفاده کنید مستلزم آن است که بعد از حفظ کردن لغات جدید هر بخش متن مورد نظر را بخوانید و ببینید که این کلمات چگونه در جملات به کار رفته است و متن را برای خودتان معنی کنید. این عمل به شما کمک می کند که لغات جدید بهتر در ذهنتان جای بگیرد و بتواند در آینده راحت تر مورد استفاده قرار بگیرد. علاوه بر این چون لغات را در متن یاد گرفته شده در هنگام امتحان که سؤالات در جمله داده خواهد شد انتخاب جواب صحیح آسانتر خواهد بود.

۲ - علاوه بر راهنمایی که جهت مطالعه توابع صورت گرفته، اصل بسیاری از نصوص مبار که را با قید صفحات مربوط در برنامه درس گنجانده ایم تا شما با مطابقت دادن اصل نص با ترجمه انگلیسی آنها در ک بهتری از متن انگلیسی نصوص مبار که به دست آورید. بدیهی است که ترجمه های انگلیسی از آثار در مواردی به فهم بهتر اصل آثار نیز کمک می کند بنا بر این مطابقت نصوص را به شما توصیه می نمایم.

۳ - استفاده از کلاسها و امکانات انگلیسی موجود در جامعه

همانطور که متذکر شدیم، مطالعه مستمر از ابتدای ترم، استخراج و حفظ لغات و اصطلاحات و انجام تمرینات از عوامل مؤثر در فهم درس است. اما استفاده از کلاس و معلم کمک بسیار مؤثری به شما خواهد نمود. لهذا توصیه می شود که با همکاری هیأت معارف محل خود و یا هیأت های علمی و یا سفر به مراکز نزدیک، سعی نمایید امکان حضور در کلاسهای تدریس و یا رفع اشکال را برای خود فراهم نمایید.

ارزشیابی

الف - امتحان: امتحانات این درس در مقاطع ذیل انجام خواهد شد:

ماهانه اول (هفته چهارم / ۱۰ نمره)

میان ترم (هفته نهم / ۳۵ نمره)

ماهانه دوم (هفته سیزدهم / ۱۰ نمره)

پایان ترم (هفته هجدهم / ۴۵ نمره)

ب - مواد و سؤالات امتحان به صورت معادل یابی، پر کردن جاهای خالی و درک مطالبی و یا متونی است که در برگه امتحان داده خواهد شد. یعنی شما باید بتوانید با دقت در متن و سؤالات :

۱ - جاهای خالی عبارات و جملات را با کلمات مناسب پر کنید.

۲ - مترادف کلمات و اصطلاحات و مفاهیم داده شده را تشخیص دهید.

۳ - به سؤالاتی که از متون داده می شود پاسخ دهید. (متون مورد نظر در برگه درج شده است)

نمونه سؤالات امتحان :

1. Baha'is should promote amixy among them.

a. enmity b. agreement c. inspiration d. friendship

جواب : گزینه d

2. In nineteen day feast, if somebody wishes to speak, he must do so with all

-----.

a. courtesy b. celebration c. discharging d. dismiss

جواب : گزینه a

۳ - علاوه بر نمونه فوق در هر امتحان متنی داده خواهد شد که بر اساس آن سؤالاتی مطرح شده و دانشجو در جلسه امتحان با توجه به درک خود از متن به آن سؤالات پاسخ خواهد داد.

توضیحات ارتباط درس با سایر دروس

ارتباط این درس با سایر دروس معارف عالی را در دو قسمت می توان مطرح نمود :

الف - ارتباط مستقیم و کامل : بطور صریح و مستقیم این درس با سه درس انگلیسی قبل از خود مرتبط است که به نحوی پیش نیاز این درس هستند و کسانی که دروس انگلیسی ۱ و ۲ و ۳ را بخوبی فرا گرفته باشند درس انگلیسی ۴ را به نحو مطلوبی فرا خواهند گرفت و به اهداف درس نائل خواهند شد.

ب - ارتباطات غیرمستقیم و به نحو موردی و یا جزئی : این یک واقعیت است که امروزه برای فهم بسیاری از مباحث علوم انسانی و مذهبی، دانش مناسب از انگلیسی یکی از ابزارهای مفید فهم مطالب و پیشرفت است.

۱ - هر علمی اصطلاحات خاصی دارد که مطالعه کننده آن رشته علمی حداقل معلومات لازم در مورد آن اصطلاحات و معانی آنها را باید داشته باشد و از آنجا که بخش عظیمی از مقالات و کتب از زبان انگلیسی ترجمه شده است لذا فهم آن لغات لازم است.

۲ - امروزه مطالب زیادی راجع به زمینه‌های مختلف امری و غیر امری در اینترنت وجود دارد که افراد توانا به زبان انگلیسی می‌توانند استفاده مطلوب از آنها را بعمل آورند. اما افرادی که توانایی در حد ۴ درس انگلیسی مورد مطالعه شما را داشته باشند می‌توانند تا حدودی از این تنوع مقالات و مطالب سود ببرند.

۳ - تعدادی از دروس معارف عالی به تناسب مطالبی به زبان انگلیسی به صورت متن یا تکلیف مطرح خواهند نمود از جمله دروس مطالعه آثار. دانش خوب شما از این درس به فهم مطالب مذکور کمک خواهد نمود.

۴ - با توجه به محتوای این درس استفاده از مقالات انگلیسی راجع به تعالیم اجتماعی امر مبارک و فضائل اخلاقی امکان پذیر خواهد شد.

۵ - تهیه رساله: امروزه در کار تهیه رساله‌های پایان تحصیلی، مقالاتی که به صورت انگلیسی در سایتهای اینترنت موجود است امری ضروری است. لذا تسلط بر این درس می‌تواند در مطالعه و یا یافتن مقالات مرتبط با مفاهیم رساله کمک زیادی بنماید.

Gloosory

CHAPTER 1

Why this book?

psychology (n)	The science of the human mind	روان شناسی
realize (v.t.)	to be fully aware	درک کردن - فهمیدن
principle (n)	a fundamental truth	اصل - قاعده کلی
interpretation (n)	explanation	تبیین - توضیح
recognize (v.t.)	identify, realize	شناختن - تصدیق کردن
behaviour (n)	manner	رفتار - روش
primarily (adv)	fundamentally	اصولاً - بدایتاً
suggestion (n)	impulse into the mind	پیشنهاد
strive (vi.)	to make great efforts	کوشش - جهد
beatuific (adj)	showing a great joy	سعادت آمیز
contribute (v.t.i.)	to give jointly with others, supply	بطور اعانه دادن - شرکت کردن

unfold (v.t.i.)	to open the fold	آشکار کردن - باز نمودن
application	the act of applying s.t.	درخواست - تقاضا
quotation	to cite a passage	نقل - ذکر - ایراد
compilation	to collect and arrange information into a set	تألیف کردن - گرد آوردن
purpose	intention to act	مقصد - منظور
emphasize (v.t.)	to stress	تاکید کردن - اهمیت دادن
egotism (n)	talking too much about oneself. selfishness	خودستایی - خودبینی
instance (n)	an example	مورد - نمونه - مثل
aspect (n)	a feature by which a matter is considered	جنبه - لحاظ - سیما
far-fetched (adj)	unconvincing	غیر قاطع - مجاب نکننده
implication	to indicate indirectly	اشاره ضمنی - دلالت - مفهوم
Universal House of Justice		بیت العدل اعظم
involve (v.t.)	to cause to share (in) an experience or effect	گرفتار کردن - متضمن بودن - مستلزم بودن
	do not involve me	پای مرا در میان نیاورید
Promulgation of Universal Peace		ترویج صلح اعظم
stenographer		تندنویس
accurate (adj)	precise	درست - صحیح - دقیق
lenient (adj)		به مدارا - ملایم - خفیف
inadequate (adj)		غیر کافی - نامناسب
	that is inadequate to this purpose	برای این مقصد کافی نیست
attribute (n)	quality ascribed to a person or thing	صفت - نشان
manifestation		اظهار - ظهور - مظهر - تجلی
commonplace (adj)	ordinary	پیش پا افتاده - مبتذل
practise (v.t.i.)	to carry out skill	عمل کردن - اجراء کردن
host		دسته - گروه

CHAPTER 2

The Prison of Self

abase (v)	lower oneself/sb in dignity; degrade oneself/sb	
abased (adj)		حقیر - پست
acclaim (v)	welcome enthusiastically	ادعا کردن - اعلام کردن - آفرین گفتن
accomplishment (n)	successful completion	اجراء - اتمام - فضیلت
aggressive (n. adj.)	quarrelsome; forceful	مهاجم - تجاوز کارانه
aloof (adv)	away; apart	دور
amplitude (n)	wide range	فزونی - دامنه - انباشتگی - کمال
artificer (n)	an inventor; skilled workman	استاد
aspire (v)	desire	آرزو داشتن
assentment (n)	agreement	تصدیق
attainment (n)	accomplishment, achievement	پیروزی
attitude (n)	way of feeling, thinking or behavior	حالت - روش و رفتار
bully (n)	a person who uses strength or power to coerce others	
	by fear; threaten	تحکم
backbite (v)	speak badly of	غیبت کردن
behold (v)	see	مشاهده کردن
blessed (adj)	holly	مبارک - خجسته - خوشبخت
boast (v)	show off	افتخار کردن
bounty (n)	gift, reward	بخشش - سخاوت
covetousness (n)	greatly desiring (esp. of another person's property)	
		طمع
characteristic (n)	attribute	شخصیت
cherish (v)	tend lovingly; hold dear	عزیز داشتن
contribute (v)	give one's share of (money, help, etc.) to help a joint cause	اعانه دادن
comparatively (adv)	in comparison; relatively	به نسبت
compel (v)	force sb to do sth	مجبور کردن
concealed (adj)	hidden	پنهان شده - مستور

conform (v)	follow; obey	تسلیم شدن - تبعیت کردن
constructive (adj)	productive	سازنده
consume (v)	completely destroy	از بین بردن
contentious (adj)	argumentative; quarrelsome	بحث انگیز
convenience (n)	suitability	راحتی - آسایش
conviction (n)	certainty; sureness	اعتقاد راسخ
counter (v)	oppose	خنثی کردن
critical (adj)	fault finding	خرده گیر
cult (n)		رسم
culture (n)		فرهنگ
debate (n)	discussion; argument	بحث
denial (n)	refusal, rejection	انکار
depression (n)	sadness; discouragement	غم
deprive (n)	take away sth from sb	محروم کردن
detraction (n)	unfair criticisms of sb/smith, belittling	بدگویی - افترا
devour (v)	eat greedily, destroy	حریصانه خوردن
dispute (v)	argue, debate	انکار کردن - مباحثه کردن
domination (n)	power, control, command	تحکم - سلطه
doubtfulness (n)	distrust	تردید
draw attention (v)		جلب نظر کردن
effulgent (adj)	shining brilliantly, radiant	درخشنده
egotism (n)	selfishness	خودخواهی
emphasize (v)	stress; point up	تاکید کردن
endow (v)	bequeath or give a permanent income to	بخشیدن
endowment (n)		بخشش - اعطاء
endure (v)	remain; last	باقی ماندن
entangled (adj)	involved	اسیر شده
envy (n)	jealousy	حسادت
esteem (n)	greatly respect, high regard	اعتبار - ارزش
eternal (adj)	without beginning or end	ابدی - بی پایان

exalt (v)	praise highly	متعال کردن - بلند کردن
expose (v)	uncover; discover	نمایش دادن - افشاء کردن
fade (v)	disappear gradually	کم کم ناپدید شدن - کمرنگ شدن
fetter (n)	chain, a restraint	قید - مانع - زنجیر
forgo (v)	give up; eliminate	صرفه نظر کردن - رها کردن
frequently (adv)	very often	مکرراً
frustrate (v)	hamper, make ineffective; disappoint	فاسد شدن - خراب کردن
frustration (n)	disappointment	ناامیدی
gift (n)	a natural ability or talent	استعداد
gifted (adj)	skilled, capable	بااستعداد
glamorous (adj)	attractive	جذاب
glorify (v)	exalt; praise	افتخار کردن
greediness (n)	excessive appetite for food or drink	پرخوری
grievous (adj)	severe	شدید
habitually (adv)	often; frequently	
hatred (n)	hate somebody	نفرت
hesitate (v)	delay; pause	درنگ کردن
ill-humoured (adj)	bad tempered; moody; querulous	بداخلاق
illumine (v)	make bright	روشن کردن
imbue (v)	inspire or permeate	ملهم کردن - رسوخ کردن
impartiality (n)	equality	بیطرفی - مساوات
implication (n)	thing not openly stated	
imply (v)	suggest something indirectly, hint	اشاره کردن
impregnable (adj)	resistant to attack or criticism	حصین - محکم
indicate (v)	point out, specify, make known	نشان دادن - اشاره کردن
indicate (v)	state sth briefly or indirectly; show sth esp. by pointing	
indication (n)		نشان - اشاره
insidious (adj)	evil	موذی
integrity (n)	entirety	تمامیت

lest (conj.)	for fear that, in order that ... not	مبادا
linger (v)	stay; remain; survive	باقی ماندن
loins (n)		صلب - کمر
look down upon (v)	consider somebody or something inferior to oneself	
magnify (v)	enlarge; exaggerate	بزرگ کردن - اغراق کردن
manifest (adj)	clear or obvious to the eye or mind	بدیهی - واضح
monologue (v)	a long speech by one person	سخنگویی یک نفره
negligent (adj)	careless	بی دقت
neurotic (adj)	disturbed; confused; nervous	عصبی
nuisance (n)	trouble; annoyance	دردسر
partial (adj)	not complete	جزیی
partially (adv)	partly, not completely	تا حدودی
pledge (n)	promise, assurance	ضمانت - تعهد و الزام
ponder (v)	consider, think over, weigh mentally	تعمق کردن - سنجیدن
propitiate (v)	win the favor or forgiveness of sb by a pleasant act, appease	تسکین دادن
praise (v)	express warm approval	ستودن - نیایش کردن
quench (v)	extinguish; put out	دفع کردن - خاموش کردن
rancour (n)	hatred, bitterness	کینه
realm (n)	domain, kingdom	منطقه
regard (v)	consider; look upon	تلقى نمودن
regret (v)	be upset, feel sorry for	حسرت داشتن
remark (n)	comment	اظهاری نظر
remnant (n)	remains, small part that remains	ذره باقیمانده
resent (v)	be angry about	رنجیدن
resplendent (adj)	brilliant	درخشنده
ring out (v)	give out a clear sound	صدا کردن
rival (n)	competitor	رقیب
rust (n)	a coating formed on iron or other metals by oxidation	زنگ

sanctity (n)	holliness; saintliness	تقدیس - پاکی
sarcasm (n)	a bitter or wounding remark	طعنہ
scorn (n)	disdain, derision	تمسخر - تحقیر - بی اعتنائی
seize (v)	take advantage eagerly	قاپیدن - درک کردن
selfish (adj)	deficient in consideration of others	خودخواه - خودبین
sentimental (adj)	emotional	احساساتی
sheath (n)	cover for the blade of weapon or tool	غلاف
shield (v)	protect; shelter	حفظ کردن
sigh (v)	take a deep breath that can be heard	آه کشیدن
single out (v)	select somebody from others	
specifically (adv)	exactly; precisely	صریحاً
smouldering (adj)	existing in suppressed or concealed state	سرکوب شده
spoil (v)	damage, reduce a person's enjoyment, ruin	فاسد کردن - پوسیده شدن - لوس کردن
sting (n)	wound or prick	نیش - سرزنش
stir (v)	move; arise	حرکت - تحریک کردن
strain (v)	make greatest effort	تقلا کردن
strive (v)	try very hard	تلاش کردن
stronghold (n)	a secure refuge	دژ - حصن
subtle (adj)	delicate, not easy to explain	دقیق - تیز و نافذ - محیل
subtly (adv)	keenly	بطرز زیرکانه
sulk (n)	be silent as a result of bad temper	قهر - ترش رویی
sullenly (adv)	miserably	عبوسانه
taut (n)	distinguishing characteristic	
tantrum (n)	fit of bad temper or anger	عصبانیت
tempered (adj)	seasoned	آبدیده - بر جوهر
tend (v)	be inclined to; be directed	منجر شدن - تمایل داشتن
trait (n)	attribute	ویژگی
treat (v)	behave towards	رفتار کردن
urge (v)	try strongly to persuade	اصرار کردن

veil (n)	cover	حجاب - پرده
veiled (adj)	hidden, subtle	پنهان
virtue (n)	moral excellence, goodness	تقوا - خاصیت
wanderer (n)	drifter	سرگردان
weep (v)	cry	گریه کردن
whine (v)	complain, moan	نالیدن
whip (v)	move quickly and suddenly	لرزیدن
yell (v)	shout; scream	فریاد کشیدن

CHAPTER 3

Strive for Gentleness and Love

accordingly (adv)	therefore, thereupon	بر طبق آن - نتیجتاً
acquire (v)	get, gain	بدست آوردن - حاصل کردن
acquisition (n)	obtaining; acquiring, attainment	اكتساب - فراگیری
adapt (v)	adjust, fit	وفق دادن
adorn (v)	add beauty or ornament to sth/ sb; beautify	زینت دادن
ailing (adj)	unwell	علیل - رنجور - ناخوش
apparent (adj)	clear, evident	آشکار - ظاهر - معلوم
aspect (n)	appearance, look	سیما - صورت - ظاهر
associate (v)	connect	معاشرت کردن - مربوط بودن
at a loss		سردرگم - گیج
attain (v)	get, gain	رسیدن - بدست آوردن
awkward (adj)	embarrassing, having little skill	زشت - بی لطافت - غیراستادانه
be friend (v)	act as friend to	دوستانه رفتار کردن
beloved (adj)	darling, dear, loved, precious	محبوب
blame (v)	condemn, criticize	ملامت کردن - مقصر دانستن - سرزنش کردن - عیبجویی کردن
concrete (adj)	actual	واقعی
conduct (v)	behavior, manner of directing affairs	رفتار - سلوک - جریان
contour (n)	out line, figuration	محیط مری - نقشه برجسته - دوره - طرح

contrary (adj)	opposite	مخالف - مقابل
courteous (adj)	polite	باادب - فروتن - مؤدب - مؤدبانه
courtesy (n)	polite and kind behavior, hospitality	ادب - تواضع
cruel (adj)	inhuman, fierce	بیرحم - ظالم
custom (n)	manner, habit	رسم - سنت - عادت - عرف
divinity (n)		الوهیت
drop in (v)	call on, visit	سر زدن - اتفاقاً دیدن کردن
dwarf (n)	pygmy	کوتوله - قد کوتاه
elaborate (adj)	complex	دارای جزئیات
eventually (adv)	finally	سرانجام - عاقبت
flame (n)	blaze, glow	شعله - نار
flatter (n)	praise insincerely	چاپلوسی کردن
flow (v)	pour, roll	جریان داشتن - جاری بودن
forbearance (n)	patience	شکیبایی
gentleness (n)	kindness	مهربانی - ملایمت
glowering	frowning, glooming	اخمو - ترشرو
habit (n)	custom, manner	عادت - خو
hesitant (adj)	afraid, reluctant, shy, unwilling	مردد - دودل
haven (n)	shelter	ملاذ - ملجا - پناهگاه
hospitable (adj)	giving or disposed to give hospitality	مهمان نواز
humility (n)	humble quality or state	فروتنی - تواضع
inferior (adj)	lesser, lower, under	پست
insoluble (adj)	unsolvable	لاینحل - حل نشدنی
instruction (n)	teaching	راهنمایی
intact (adj)	good, perfect, untouched	دست نخورده - سالم - کامل - بی عیب
intent (n)	purpose, plan	نیت - قصد
interfere (v)	step in	مداخله کردن
lose face (v)	suffer embarrassment	آبروی کسی را بردن
meditate (v)	ponder	تفکر کردن - اندیشه کردن
merely (adv)	just, only	فقط

miracle (n)	wonder	معجزه - اعجاز
morally (adv)	practically	اخلاقی - معنوی
obligation (n)	pressure that forces one to do sth; duty, debt	وظیفه - الزام - تعهد
overflowing (adj)	flooding	سرشار - لبریز
procedure (n)	process, step	رویه و روش
recipient (n)	one that receives	گیرنده
rejoice (v)	feel joy	سرور - بهجت - حبور و فرح یافتن
respect (v)	admire or have a high opinion of sb/ sth, regard	احترام گذاشتن - محترم داشتن
respond (v)	answer	پاسخ
suffering (n)	distress, agony, misery	رنج - الم - عذاب - تألم
tactful (adj)	delicate, diplomatic	
tent (n)	camp	خیمه - چادر
tremendous (adj)	huge, enormous	عظیم
unconsciously (adv)	senselessly, insensibly	ناخودآگاه
unexpectedly (adv)	suddenly	غیرمترقبه
untrustworthy (adj)	not reliable, not trusty	کسی که نمی‌توان به او اعتماد کرد
utmost (adj)	greatest; most extreme	بیشترین - منتهی
waste	spoil	حرام کردن - بیهوده کردن

CHAPTER 4

Action and Achievement

ambition (n)	the determination to achieve success or distinction	جاه‌طلبی
abundance (n)	overflow	فراوانی
acute (adj)	sharp	زیرک
adequate (adj)	sufficient	کافی
colloquially (adv)		اصطلاحاً
competent (adj)	adequate, sufficient	لایق

conceited (adj)	egotistical; self-centred	خودبین - از خود راضی
conflict (n)	battle, combat	مخالفت - ناسازگاری
delude (v)	deceive, misinform	فریب دادن
destructive (adj)	harmful; destroying	خرابکار
Divine Spirit		تأیید الهی
ego (n)		نفس
elect of God		مقرب درگاه
encounter (v)	meet unexpectedly; meet or find oneself faced by sb/ sth unpleasant	مواجه شدن با
endeavor (v. n)	strive	سعی - کوشش
exertion (n)	effort	تقلا - اعمال زور
haste (n)	hurry; rapidity	شتاب و عجله
incompetent (adj)	unskilled, incapable	ناایسته - بی کفایت
indolence (n)	laziness	تنبلی
indomitable (adj)	determined; untiring	سخت - تسلط ناپذیر
indulge (v)	take pleasure freely	رها ساختن - زیاده روی کردن
inferiority (n)	deficiency, imperfection	حقارت - پستی
intelligence (n)	intellect; cleverness	هوش
magic (adj)		جادویی
mature (adj)	full-grown, adult	بالغ و کامل
misery (n)	distress, unhappiness	بدبختی
misled (adj)	misguided	گمراه
nonentity (n)	non-existence, nobody	ناچیزی
pace (n)	step, rate of speed	سرعت - شیوه - گام
perfection (n)	excellence, superiority	کمال
persevere (v)	stand fast or firm	ثابت قدم ماندن
pursuit (n)	following	پیگیری
remedy (n)	treatment	درمان
steadfastness (n)	determination	ثبات
temperamental (adj)	liable to erotic or moody behavior	

temperamentally (adv)		طبیعتاً
tenfold		ده برابر
tranquil (adj)	calm	آرام
triviality (n)	smallness, insignificance	پیش پاافتادگی - ناچیزی
unlit (n)	dark	
utterly (adv)	completely, absolutely	مطلقاً - کاملاً
vacillate (v)	move from side to side	دو دل بودن
vaguely (adv)	indefinitely	مبهم
vicarious (adj)	experience for another	
vicariously (adv)		نیابتاً
visionary (n)	dreamy; unrealistic	خیالی
vitality (n)	liveliness	قدرت یا خاصیت حیاتی - زنده دلی
volition (n)	will	اراده
weary (adj)	tired	خسته

CHAPTER 5

The Use of Intelligence

The Almighty (adj)	all-powerful	قادر مطلق
audacity (n)	fearless, courageous, daring	بی پروایی - جرأت
aspect (n)	viewpoint	جنبه
assume (v)	accept sth as true before there is truth	فرض کردن
attentive (adj)	alert and watchful	متوجه - مقید
abandon (v)	give up completely	تسلیم شدن
accurately (adv)	carefully	با دقت
altitude (n)	height, loftiness	مقام رفیع - منزلت
adhere (v)	remain attached to sth; stead, hold fast	پیوستن
ascertain (v)	find out for certain	معلوم کردن
blessing (n)	an invocation of God's favour, grace	برکت - نعمت خدادادی
border (n)	edge	حاشیه

big name	sb. who has gained the approval of the public and is well-known for his work	فرد صاحب نام
complimentary (adj)	expressing a compliment	تعارف آمیز
creed (n)	system of beliefs or opinions	اعتقاد
callous (adj)	unfeeling, hardened	بی حس
clog (v)	hinder, cause to become blocked	مانع شدن
confined (adj)	limited, restricted	محدود شده
confer upon (v)	bestow, grant, give	اعطاء کردن
concord (n)	harmony between people	توافق - پیمان
concept (n)	idea, notion	مفهوم
confront (v)	face	مواجه شدن
confidence (n)	firm trust; a feeling of certainty	اعتماد
daffodil (n)		نرگس زرد
dogma (n)	religious belief	عقیده دینی
discern (v)	see sth clearly (with the senses or the mind) esp with an effort; observe; determine	تشخیص دادن
eternity (n)	time without end	ابدیت
emergency (n)	urgent situation	اضطرار - ضروری
enterprise (n)	plan, project, undertaking	اقدام مهم
ethical (adj)	of moral	اخلاقی
equilibrium (n)	a state of balance	موازنه
feasible (adj)	possible, practicable	عملی - امکان پذیر
faculty (n)	power, capacity	استعداد - قوه ذهنی
faint (adj)	weak	ضعیف
foremost (adj)	most famous or important	بهترین
generalize (v)	speak in general	عمومیت دادن
hereditary (adj)	descending by inheritance	موروثی
handicap (adj)	obstruction, obstacle, hindrance	مانع
hearsay (n)	things one has heard another person or other people say, which may or may not be true; rumour	شایعه

harass (v)	bother, annoy	به ستوه آوردن
initiative (n)	creativity	قوه ابتکار
inflexible (adj)	that can not be altered	انعطاف ناپذیر - تغییر ناپذیر
ingenuity (n)	cleverness in solving problems	هوش
intellect (n)	power of the mind to reason and acquire knowledge; reason; comprehension; understanding	فهم - قوه ادراک
investigation (n)	a careful study	تحری - تحقیق
immortal (adj)	living forever	لایتناهی
inevitable (adj)	unavoidable	غیر قابل اجتناب
illustrate (v)	explain or make sth clear by examples	توضیح - تشریح
justly (adv)	fairly	منصفانه
light divine		نور الهی
mull over (v)	think over, ponder	فکر کردن
maintenance (n)	financing, supporting	خرجی - گذران
omit (v)	leave out, not include sth	حذف کردن
omniscience (n)	all-knowing, all-wise person	علم لایتناهی
occasionally (adv)	now and then, at times	گاهگاهی
ought to (v)	must	باید - بایستی
procedure (n)	course of action	روش
preference (n)	liking for sth	اولویت - مزیت
premiss (n)	thesis, hypothesis	قضیه
preconvince (v)	form an idea or opinion beforehand	پیشاپیش تصور کردن
parable (n)	story told to illustrate a moral or spiritual truth	تمثیل
penetrate (v)	understand or discover	درک کردن - راه یافتن به
proposition (n)	a proposal, a statement	مسأله
propaganda (n)	publicity that is intended to spread ideas or information which will persuade or convince people	تبلیغات نهایی
pronouncement (n)	a formal statement or declaration	اظهار رسمی
partake (v)	be associated with	سهیم بودن - شرکت کردن

rational (adj)	able to reason, sensible	
rational soul		نفس ناطقه
renounce (v)	give up a claim or right	صرف نظر کردن
reconcile	reunite, make peace between, bringing together	تطبیق کردن
revolutionize (v)	to introduce fundamental change	تغییر اساسی ایجاد کردن
ritual (adj)	series of actions used in a religious or some other ceremony	مربوط به شعائر دینی
rut (n)	routine jobs	عادت
satisfaction (n)	feeling of contentment	رضایت
significance (n)	importance	اهمیت
soar into (v)	go up high in the air, ascend, rise	صعود کردن - اوج گرفتن
sovereign (adj)	effective, excellent	مؤثر
slight (n)	disregard, neglect	بی اعتنائی - بی اهمیتی
talent (n)	special or very great ability	استعداد
tenure (n)	holding of office or land or other properties	اجاره داری
thus (adv)	as a result of this	بدین ترتیب
tulip (n)		لاله
verity (n)	truth, fundamental fact	حقیقت
weave (v)	put (facts, events, etc.) together into a story or a connected whole; compose	درست کردن - ساختن

CHAPTER 6

The Use of Money

abide (v)	tolerance; endure	استوار بودن - ثابت بودن
accuracy (n)	precision or exactness, esp resulting from careful efforts	درستی - صحت
adversity (n)	unfavourable condition; trouble; unfortunate event or circumstance	بدبختی - فلاکت
apparel (n)	clothing; dress	رخت - جامه

attachment (n)	وابستگی - تعلق
attach (v)	fasten or join
attitude (n)	way of thinking or behaving طرز برخورد - روش و رفتار
befall (v)	happen to sb اتفاق افتادن
bestow (v)	present sth as a gift to sb; confer بخشیدن
beware (v)	take care about sb/ sth بر حذر بودن - ملتفت بودن
bound (adj)	obliged by law or duty to do sth; confined to a specified place مقید - موظف
bounty (n)	generosity in giving سخاوت - بخشش
budget (n)	estimate or plan of how money will be spent over a period of time, in reliance to the amount of money available بودجه
bulb (n)	thick vounded underground stem of certain plants (like onion) پیاز گل
charitable (adj)	generous in giving money, food, etc. to poor people; kind in one's attitude to other خیریه
circulation (n)	گردش
circulate (v)	cause sth to go around continuously
comment (v)	give one's opinion نظریه دادن
committee (n)	group of people appointed (usu by a larger group) to deal with a particular matter کمیسیون - انجمن
consistently (adv)	پیوسته
consistent (adj)	unchanging
content (adj)	satisfied with what one has; not wanting more; happy راضی - قانع
convince (v)	make sb feel certain; persuade متقاعد کردن
craft (n)	occupation پیشه - صنعت - حرفه
criticize (v)	point out the faults of sb/ sth انتقاد کردن - نکوهش کردن
cultured (adj)	having intellectual development با فرهنگ
debt (n)	sum of money owed to sb that has not yet been paid

بدهی - قرض

declare (v)	formally announce; make know clearly	اظهار کردن - اعلان کردن
dependent (adj)	needing support from sb; needing sth physically	وابسته
deprive (v)	take sth away from sb/ sth	محروم کردن
despise (v)	consider sb/ sth as worthless	
despised (adj)		خوار و حقیر
determine (v)	decide	تصمیم گرفتن
devotion (n)	deep strong love; loyalty	
		از خود گذشتگی - هواخواهی - دلبستگی
discretion (n)	good judgment	صلاح دید نظر بنا به تشخیص
disdain (n)	feeling that sb/ sth isn't good enough to deserve one's respect	اهانت - تکبر
distress (n)	cause of great pain, sorrow, suffering	پریشانی - دلتنگی
distrustful (adj)	suspicious	بدگمان
earn (v)	get money by working; gain th	بدست آوردن
embarrass (v)	cause mental discomfort or anxiety to somebody	
		گیج کردن - گرفتار کردن
embellish (v)	make sth beautiful by adding ornaments, etc.	
		آرایش کردن - پیراستن - زینت دادن
engage (v)	occupy or attract (sb's thoughts, time, etc.)	بکار گذاشتن
entertain (v)	receive sb as a guest; amuse sb	پذیرایی کردن
evidence (n)	information that gives a reason for believing sth or prove sth	مدرک - گواه
exalt (v)	make sb higher in rank or greater in power; praise sb highly	
exceed (v)	be greater or more numerous than	
exceedingly (adv)	extremely	خیلی زیاد
exclaim (v)	cry out suddenly and loudly from pain, anger, surprise, etc.	بانگ زدن - از روی تعجب فریاد زدن

expenditure (n)	amount (esp of money) spent	هزینه - خرج
extravagant (adj)	in the habit of using or spending too much	ولخرج
expression (n)	showing or making know	بیان - تعبیر
expense (n)	spending of money, etc.; cost	هزینه - خرج
fall into (v)	develop or acquire sth	عادت پیدا کردن
favour (n)	liking; good will	احسان - التفات
feeble (adj)	weak; faint	ضعیف - ناتوان
fellow (n)	companion	همقطار - شریک
field (n)	area of land	صحرا
fowl (n)	any bird	مرغ
fountain (n)	jet of water, esp one forced up into the air; source or origin of sth	چشمه - سرچشمه - منبع
fund (n)	sum of money saved or made available for a particular purpose; stock or supply of something	صندوق (خیریه)
garment (n)	article of clothing	جامه - پوشاک
generous (adj)	giving or ready to give freely	بخشنده - با سخاوت
give forth (v)	produce or emit sth	بیرون دادن - منتشر کردن
give over (v)	stop doing sth	دست کشیدن - واگذار کردن
glory (n)	adoration; beauty; splendor	عزت - جلال - شکوه - بزرگی
govern (v)	rule a country	
governor (n)		فرماندار - حاکم
grace (n)	God's mercy and favor rewards mankind	
		فیض - تأیید - مرحمت
heed (v)	pay attention; take notice of	توجه
hoard (v)	carefully collected and guarded store of money, food or other treasured objects	انباشتن - احتکار کردن - ذخیره کردن
humiliate (v)	make sb feel ashamed or disgraced	
humiliation (n)		تحقیر - اهانت
idle (n)	doing or having no work; not employed; worthless	
		بیهودگی - بطالت - بیکاری

ignorant (adj)	knowing little or nothing; lacking education or information	نادان
impress (v)	have a favorable effect; make sb feel admiration and respect	تحت تأثیر قرار دادن
incumbent (adj)	necessary as part of sb's duty	لازم - واجب
individual	by or from one person	شخص - فرد
influence (adj)	power to produce an effect	نفوذ کردن
inspiration (n)	stimulation of the mind, feeling to do sth beyond a person's usual ability	الهام
instalment (n)	any one of the parts of a payment spread over a period of time	قسط
intend (v)	mean; have a particular purpose or plan in mind	قصد داشتن
intense (adj)	extreme; very strong	
intensity (n)		شدت - زیادی - درجه - قوت
invisible (adj)	that can not be seen	نامرئی - نامعلوم
involve (v)	cause sb/sth to take part in an activity or a situation	گرفتار کردن - گیرانداختن - دربرداشتن
judgment (n)	opinion about sth	داوری
justified (adj)	having good reasons for doing sth	دارای حق بجا
kindred (n)	family relationship related; having a common source; similar	خویشاوند
lest	in order that ... not	مبادا
loan (n)	thing that is lent, esp a sum of money	وام - قرض
look down (v)	consider sb/sth inferior to oneself	حقیر شمردن
luxurious (adj)	the best and most expensive food and drink, clothes, etc.; thing that is expensive and enjoyable but not essential	باتجمل - راحت
mean (n)	action by which a result is brought about	هدف
mentally (adv)	in the mind; with regard to the mind	فکراً - روحاً

necessity (n)	need	احتیاج
needy (adj)	very poor	محتاج
object (n)	thing aimed at; intention; purpose	موضوع
observation (n)		ملاحظه
observer (v)	watch carefully	
obvious (adj)	easily seen, recognized or understood	روشن - واضح
occasionally (adv)	from time to time, not regular	بعضی اوقات
occupy (v)	live in or have possession of sth	
ordain (v)	(of God, law, authority, fate) order or command	
		مقدر کردن - وضع کردن
ornament (n)	decoration	پیرایه - آرایش
out bit by bit (v)	out gradually	ذره ذره خرج کردن
partake (v)	eat or drink a part of sth	شرکت کردن - قسمت بردن
permit (v)	allow sb to do sth	اجازه دادن
psychological (adj)	of or affecting the mind	روانی
pitiful (adj)	arousing pity	رفت انگیز
pity (adj)	feeling of sorrow caused by the suffering, troubles, etc. of others	اسفبار - پست
pledge (n)	promise; thing left with a person to be kept until the giver has done sth promised	گرو - وثیقه - الزام - تعهد
possess (v)	have sth as one's belongings	
possession (n)		تصرف - مالکیت
poverty (n)	state of being poor	فقر - تنگدستی
precedence (n)	right to come before sb/ sth in time, order, rank, etc.	
		پیشی - سبقت - تقدم
prescription (n)	doctor's written instruction for the use of medicine	
		دستور - تجویز - فریضه حق
principle (n)	basic general truth that underlines sth	اصل
proviso (n)	clause, etc. that is insisted on as a condition of an agreement	شرط - قید و بند

prudence (adj)	done without delay; actual	فوری
pamper (v)	treat (a person or an animal) with too much kindness;	
	spoil	به ناز پروردن
purchase (n)	buy	خرید
quote (n)	mention sth in support of a statement	نقل قول - بیان
rank (n)	position in a scale of responsibility, quality, social status, etc.	ردیف - نشان - رتبه
ridicule (v)	make fun of sb/sth	استهزاء
refill (v)	fill again	دوباره پر کردن
refresh (v)	give new strength to sb/sth	تازه کردن - از خستگی بیرون آوردن
regardless (adj)	paying no attention to sb/sth	بی اعتنا - بی توجه
reliance (n)	trust in sb/sth; dependence on sb/sth	اعتماد - توکل
require (v)	need	نیاز داشتن
resent (v)	feel bitter, angry about sth	رنجیدن خشمگین شدن
responsibility (n)	obliged to carry out a duty	مسئولیت
reward (n)	sth given or received in return for work	پاداش - اجر - تلافی
sacred (adj)	connected with or dedicated to 'God; regarded with great respect	مقدس - محترم
satisfy (adj)	give sb what he wants	راضی - بی نیاز
saving (n)	money saved up	پس انداز
scale (n)	system of units for measuring	مقیاس - درجه - میزان
sloth (n)	laziness; idleness	تنبلی - سستی - کاهلی
source (n)	starting point of a river; place from which sth comes or is obtained	چشمه - سرچشمه - منبع
spoil (v)	make sth useless	فاسد شدن - فاسد کردن
spring (n)	place where there is water coming up naturally	چشمه
status (n)	person's social, legal or professional position or rank in relation to others	وضعیت - مقام - نشان
stingy (adj)	spending, using or giving unwillingly	خسیس

substitute (n)	person or thing that replaces, acts for or serves as sb or sth else	تعویض
suede (n)	type of soft leather with one side vobbed so that it has a soft surface	چرم - جیر
superior (adj)	better, stronger, etc. than sb/ sth	برتر - بالاتر
symathy (n)	feeling of pity and sorrow for sb	همدردی - دلسوزی
sound (adj)	in good condition; not hurt	سالم - بی عیب
sum (n)	amount of money	مبلغ
therefrom		از آن
trash (n)	material, writing of poor quality	آشغال - یاوه - مهمل
treasure (n)	store of gold, silver ... highly valued object	گنج - خزینه
treat (v)	act or behave in a certain way towards sb	رفتار کردن
underpay (v)	pay too little money	کم حقوق دادن
undeterred (adj)	not discouraged	بی ترس
unfailing (adj)	never coming to an end	تمام نشدنی
urge (v)	try earnestly or persistently to persuade sb	اصرار کردن - وادار کردن
verily (adv)	truly	براستی - در واقع - هر آینه
viewpoint (n)	opinion	نقطه نظر
vouchsafe (v)	grant sth (to sb) as a gift or privilege; be kind enough to give sth	اطمینان دادن - التفات کردن
waste (v)	use sth extravagantly, needless or without an adequate result	تلف کردن - دور ریختن - خراب کردن
wealth (n)	possession of a large amount of money, property	ثروت - مال
wholly (adv)	entirely; completely	تماماً - بکلی
wondrous (adj)	wonderful	عجیب - فوق العاده
worship (v)	respect or love for God; act or ceremony that shows love for God	پرستش - عبادت کردن
worth (adj)	having a certain value	ارزنده - سزاوار - لایق

enjoin (v)	order	سفارش کردن - امر کردن
intervene (v)	come or be between	مداخله کردن - در میان آمدن
outstrip (v)	run faster than (sb in race) and leave him behind	پیش افتادن از
cut down (v)	reduce the amount of sth	تقلیل دادن
dole (n)	distribute (esp food, money, etc.) in small amounts	قسمت - تقسیم پول یا غذا در فواصل معین
prosperity (n)	state of being successful or rich	موفقیت - کامیابی
indigent (adj)	poor	تهیدست - تنگدست
far-flung (n)	spread over a long area	پخش - پراکنده
philanthropy (n)	charitable actions for the welfare of mankind	بشردوستی
burden (n)	heavy load	بار مسئولیت - بار

CHAPTER 7

The Development of of Arts and Sciences

abstract (v)	take out of; summarize	جدا کردن - تجزیه کردن - خلاصه کردن
acquaintance (n)	familiarity	آشنایی سابقه
allegiance (n)	loyalty (to a person or cause)	تبعیت - وفاداری
analogy (n)	likeness	قیاس
antagonize (v)	oppose, set	مخالفت کردن
appertain (v)	relate, be appropriat	مربوط بودن
appeal (n)	apply	درخواست
apprehend (v)	understand, arrest	درک کردن
appropriate (adj)	proper, suitable	مناسب
ascension (n)	rise; progression	صعود - معراج
belles (n)	literature	ادبیات
birch (n)		درخت غان
brook (n)	stream	جویبار
clarify (v)	clear	روشن کردن
cog (n)		دندانه - زبانه

conceive (v)	imagine, realize	تصور کردن
concrete (v)	solidify	سفت کردن - به هم پیوستن
conformist (adj)	person who conforms, conservative	همنوا
convention (n)	custom	رسم و آیین
convert (v)	change, alter	تغییر دادن
convey (v)	carry, express	رساندن - حمل کردن - بردن
crib (n)	cot	گهواره
curiosity (n)	inquisitiveness	کنجکاوی
deliberate (v)	consider, take counsel	سنجیدن - تعهد کردن
devote (v)	give oneself or one's time, energy, etc. to sth	
discard (v)	get rid of, throw away	
distort (n)	give a false account of	تحریف کردن
distort (v)	alter, falsify, put out of shape	تحریف کردن - کج کردن
drifting (n)	end	مقصد
elimination (n)	removal	حذف
emanation (n)		تجلی - صدور
embody (v)	realize; represent	جسم دادن - متضمن بودن
enhancement (n)	improve the good qualities of sth	
exert (v)	expend	اعمال کردن
exploration (n)	discovery; investigation	کاوش - جستجو
feeble-minded (adj)	backward, crazy	کودن - کم عقل
fourthly (adv)		چهارمی
furnish (v)	decorate, equip	مزین کردن - مبله کردن - تهیه کردن
genesis (n)	beginning; origin; fountain	پیدایش - تکوین
gleam (n)	beam of soft light, brief sign of sth	
hamper (v)	hinder	مختل کردن
inanimate (adj)	inactive, lifeless	بیجان
incorporate (v)	combine, unite	به هم پیوستن
inductive (adj)	logical	استنتاجی
inert (adj)	inactive, motionless	بیروح - بیجان

inquirer (n)	demand	
irrelevant (adj)	unrelated; inapplicable	بی ربط
keenly (adv)	deeply; profoundly	
manifold (adj)	varied; various	متعدد
leaven (v)	permeate and transform	تحت تأثیر قرار دادن
outworn (adj)	out of date, obsolete	فرسوده
pearl (n)	gem	مروارید
perceive (v)	apprehend; make out	ملفت شدن
perceptive (adj)	attentive, careful	حساس - باهوش
perception (n)	undrestanding; comprehension	قوه ادراک
permeate (v)	penetrate; soak through	نفوذ کردن - سرایت کردن
predict (v)	pay in advance that sth will happen	
preponderance (n)	superiority	مزیت - فضیلت
prerequisite (n)	necessity, requirement	لازمه - شرط لازم
proceed (v)	go-forward, carry on	پرداختن به - اقدام کردن - حرکت کردن
proclaim (v)	nnounce	اعلان کردن
providence (n)	brethought	مال اندیشی
pseudo (adj)	fake, unreal	کاذب
pseudo science		علم دروغی
pursue (v)	go on steadily with, follow	دنبال کردن
rattle (n)		جغجغه
revelation (n)	announcement, inspiration	فاش سازی - الهام - آشکار سازی
slavishly (adv)		وابستگی کورکورانه
sociability (n)	hospitality, friendship, familiarity	معاشرت پذیری
spank (v)		با سرعت حرکت کردن
splendid (adj)	admirabl brilliant	باشکوه - عالی
seance (n)	a meeting in which spiritualists try to make contact with the dead	جلسه
scope (n)	the sweep of each of mentally activity, observation or outlook	هدف - منظور

squeal (v)	shrill noise or cry	
striking (adj)	remarkable	قابل توجه
struggle (v)	fight, make great effort	تقلا کردن - ستیز
surge (v)	wave	موج
surging (n)	wash	
surround (v)	encircle, enclose	فرا گرفتن - احاطه شدن
sway (v)	wave, swing	نوسان کردن
swiftly (adv)	rapidly	بسرعت
tentative (adj)	made or done to test sth not definite	آزمایشی
token (n)	check	علامت
touchstone (n)	standard, reference	معیار
transcend (v)	go beyond	
unwaveringly (adv)	firmly	
utterance (n)	spoken words, ability of speaking	اظهار - سخن
vague (adj)	unclear; indistinct	مبهم
vital (adj)	requisite; fundamental	اساسی - حیاتی - واجب
vividly (adv)	clearly	به روشنی

CHAPTER 8

Education in the Home

ascent (n)	an upward movement or rise	ترقی - فراز
bestowal (n)	give as an offering; endowment	بخشش - اعطاء
bigotry (n)	state of being narrow minded	تعصب
bosom (n)	person's chest	قلب - آغوش
broom (v)		جارو کردن
censure (v)	blame	سرزنش کردن - انتقاد کردن
chamber (n)	room, esp bedroom	اتاق - اتاق خواب
clay (n)	stiff, sticky earth that becomes hard when baked	خاک رس - خاک کوزه گری
concern (v)	be relevant or important to; affect	

		مربوط بودن - اهمیت داشتن
contagious (adj)		مسری
curricula (n)		برنامه تحصیلی
delay (v)	be slow or late	تاخیر انداختن
detest (v)	hate	نفرت کردن
dispersion (n)	spread	پراکندگی
endue (v)	clothe	پوشاندن - وادار کردن
enmity (n)	hostility	دشمنی
exhortation (n)	earnest request	نصیحت - ترغیب
fanaticism (n)	fanatic outlook or behavior	تعصب
felicity (n)	great happiness	سعادت
glorious (adj)	magnificent	مجلل - باشکوه
grace (n)	sanctity	
instill (v)	introduce into a person's mind gradually; inject	
		کم کم فهماندن - تزریق کردن
intimate (adj)	close and familiar	صمیمی - نزدیک
latent (adj)	existing but not developed or manifest; potential	
		ناپیدا - پنهان
maintenance (n)	maintaining what is needed to support life	نگهداری
nag (n)	find fault with continuously	عیبجویی
nurse (v)	take charge of and look after	مراقبت کردن
noble (adj)	having, showing high character and quality	اصیل - شریف
privilege (n)	right or advantage available only to a person, class or rank; prerogative	امتياز - حق ویژه
posture (n)	position, attitude	حالت - چگونگی
premium (n)	reward; bounty	پاداش
raiment (n)	clothing	جامه
storm (n)	disturbance	تغییر ناگهانی
sublime (adj)	of the greatest and highest sort; supreme; exalted	
		بالا - عالی

subtlety (n)	acuteness	زیرکی
supreme (adj)	sublime	عالی
suspend (v)	hang; postpone	معوق گذاشتن - آویزان کردن
sustain (v)	maintain	تحمیل کردن - نگهداری کردن
sustenance (n)	maintenance	نگهداری
transgress (v)	do wrong; disobey	تجاوز کردن - سرپیچی کردن
trustworthy (adj)	dependable, worthy of trust	قابل اعتماد

CHAPTER 9

Education in Schools

around (adv)	about	حدوداً - تقریباً
accomplish (v)	perform, do, achieve	انجام دادن
accelerate (v)	quicken, advance	تسریع نمودن
abide by (v)	observe, follow, adhere to	اطاعت کردن
burst into (v)	break out, start suddenly	قطع کردن
blue blood (adj)	aristocratic descent or birth	اصیل - خون پاک
chronological (adj)	sequential, serial, in order of time	زمانی
concise (adj)	brief but comprehensive in expression	مختصر
conciseness (n)	briefness	اختصار
comprehensive (adj)	inclusive, complete	جامع - کامل
curb (v)	restrain, limit	محدود کردن - مانع شدن
derive (v)	originate in	ناشی شدن - مشتق شدن
dissipate (v)	waste time	اتلاف وقت نمودن
disintegration (n)	break up	متلاشی شدن
enthusiasm (n)	eagerness	شوق - انجذاب
exemplify (v)	be a typical example of sth	با مثال توضیح دادن
eloquence (n)	fluency, power of speed	
figures (n)	numbers	ارقام
foster (v)	promote, advance	ترویج و گسترش دادن
fascinate (v)	attract or interest sb greatly	مجدوب کردن - شیفته کردن

gay (adj)	happy and full of fun, light-heated	شاد
household (n)	family	خانواده
infer (v)	conclude	استنباط کردن
illiterate (adj)	unable to read and write	بیسواد
lofty (adj)	noble, exalted	بلند - عظیم
literacy (n)	the ability to read and write	باسواد
mural (n)	large painting done on a wall	نقاشی دیواری
nursery (n)	place where children are cared for	
nay (adv)	indeed, and more than that	
noteworthy (adj)	important, significant	مهم
Old Masters	important painter of the past (esp. the 13 th - 17 th centuries in Europe)	
odds and ends (n)	bits and pieces of various sort, small articles	چرت و پرت - تکه پاره
pretty (adv)	fairly or moderately	تا حدی
parliamentary (adj)	proper	مناسب
pedagogy (n)	study or science of ways and methods of teaching	علم تعلیم و تربیت (تربیت معلم)
pamphlet (n)	leaflet, booklet, brochure	جزوه - رساله
perseverance (n)	persistence, steadfastness	استقامت
prejudice (n)	preconceived idea	تعصب
prick (n)	pierce, make a hole in	سوراخ کردن
refute (v)	prove to be wrong	رد کردن - تکذیب کردن
retain (v)	keep sth in one's memory, memorize	حفظ کردن
resourcefulness (n)	creativity, ingeniousness	کاردانی
satellite (n)		ماهواره
statistics (n)	collection of information shown in number	آمار - احصائیه
sepia (n)	brown colouring-matter used in inks and water-colour paints and (esp. formally) for painting photographs	سپیداج

schewe (n)	plan, program	برنامه
stimulate (v)	encourage, activate	تشویق کردن
self-evident (adj)	clear without anything for proof	بدیهی
session (n)	meeting or series of meeting	جلسه - دوره اجلاس
statement (n)	stating or expressing sth	بیان
shrink (v)	to draw back, withdraw	عقب کشیدن - خودداری کردن
substantiate (v)	to support with evidence	اثبات کردن
synagogue (n)	a building used for Jews for religious worship or teaching	کنیسه
superstition (n)	idea or belief held by many people	خرافات
supplement (n)	compliment, increase	مکمل
tutorship (n)	instruction, education	سرپرستی
thorny (adj)	having thorns; sharp pointed	خاردار
undertone (n)	low voice	صدای یواش
The Bull of Minos		گاو افسانه‌ای مربوط به پادشاه کرت

CHAPTER 10

Men and Women

estimation	judgment; evaluation; view	نزد - برآورد - تخمین
distinction	difference	تمایز - تفاوت
abiding	lasting for a long time; enduring	رفتار بر طبق احکام
commit	to do; perform	ارتکاب - مرتکب شدن
sneering	laughing at; mocking; making fun of	مسخره کردن - خندیدن به
resent	to feel indignantly aggrieved at; to be angry	اوقات تلخی - عصبانی شدن
put me on a pedestal		کنایه از احترام زیاد قائل شدن برای کسی
defer	to submit to the opinion; wishes, or decision	تسلیم شدن - سرفرود آوردن
whim	a fancy; arbitrary thought or impulse	هوی و هوس

fancy	an image or a fantastic invention created by the mind	هوی و هوس
make over	to renovate; to change or transform	از نو ساختن - دوباره ساختن
cheat	to mislead; fool	دروغگویی - تقلب
prerequisite	required or necessary as a prior condition	شرط لازم
tranquillity	free from anxiety; tension	خوشبختی - آرامش
coordinate	arrange; make plans for, direct	هماهنگ کردن
helpmeet	a husband or wife; spouse	همسر - زن یا شوهر
endowed	provide with talent, ability, etc.	عطا شده - عنایت شده
sensibility	capacity to feel; a sensitiveness	احساس
rated	look upon; value	به عنوان
subordinate	secondary; lesser; minor	زیر دست
differentiation	differentiation, differentiation	تبعیض
conscientious	conscientious, conscientious	از روی وجدان
equations	equation, equation	مسائل - معادلات
respect	respect, respect	زمینه - لحاظ - جنبه
compelled	compelled, compelled	مجبور شدن
acknowledge	acknowledge, acknowledge	اذعان و اعتراف کردن - تصدیق کردن
ingrain	establish; embed	در فکر و ذهن رسوخ کردن
cultural conditioning		فرهنگ شرطی
imitation	simulation; mock	تقلید
conform	be traditional; obey the rules	همنوا شدن - تصدیق کردن
vary	differ; be different	تفاوت
markedly	noticeably; obviously	مشخص - بارز - زیاد
stated	known; assured	دلیل
rituals	ceremony; service	خرافات - سنن مذهبی - تشریفات
content	substance; subject	حال و هوا - محتوا
competition	rivalry; struggle	رقابت

in born	natural, present at birth	مادرزادی
inherited	hereditary	ارثی
assumption	supposition; guess	فرضیه
trait	peculiarity; attribute	خصلت
eradicate	eliminate; destroy	منفک کردن - جدا کردن - از بین بردن
conquest	beating, success	مسابقه و پیروزی
defamation	offence, slander	بدنام کردن
evil	wickedness; sin	شرارت
versus	against, opposed to	در مقابل
practice	way, routine	عمل
convention	custom, law	رسوم
look down	disrespect, disapprove of	به دیده تحقیر نگریستن
response	reply, answer	عکس العمل - پاسخ
substitute	replacement, replace with	جایگزین کردن
superior	better, greater	تفوق داشتن - برتر بودن
persistent	constant, continual	مدام - مداوم - مستمر
elderly	aged, mature	مسن
eternal	everlasting, undying	ابدی
matrimony	marriage, married state	ازدواج
intention	purpose, aim	قصد - مقصود - نیت
lightly	without due consideration, carelessly	سطحی - ساده
impulse	desire, whim	انگیزه مبهم
kneaded	mould, stage-manage	سرشتن
essence	spirit, fundamental nature	حقیقت وجود - جوهر
prayerfully	with meditation	با تمسک به دعا - از طریق دعا
affinity	sympathy, relationship	پیوستگی و ارتباط
mutual	common, reciprocal	دو طرفه - دوجانبه
cradle	a small low bed for an infant, the earliest period of life	گهواره - مهد
attribute	ascribe, assign	شفاهی - منتسب - نسبت داده شده

authenticate	validate, confirm	نصوص - آثار کتبی
bond	tie, connection	رشته - ارتباط - اتصال
title	heading, name	القاب - عناوین
spacious	roomy, large	وسیع
creep	tiptoe, crawl	رخنه کردن - خزیدن
vitiate	to corrupt morally; debase	تباہ ساختن - از بین بردن
ephemeral	short-lived, passing	زودگذر
rift	crack, gap	شکاف - رخنه
lest	in case, for fear that	مبادا
speck	dot, small piece	ذره - غبار
harbour	port, anchorage	لنگر انداختن - پهلو گرفتن - قرار گرفتن
grievance	complaint, moan	شکوه و شکایت - غم و اندوه
amity	friendship, peace	رفاقت - مودت - دوستی
hypocrisy	two-facedness, pretence	دورویی
lofty	high, elevated	عالی - متعالی
luminous	shining, glowing	نورانی و درخشان
aspiration	goal, ambition	آرزوها - آمال
conceive	imagine, visualize	تصور کردن
verdant	green, grassy	تروتازه
luscious	juicy, delicious	گوارا
healing	remedial, heal	درمان - التیام
perch	rest on, sit on	آشیان کردن
rapture	great joy, eagerness	سرور و شادی
imperishable	everlasting, enduring	جاودانی - فنا ناپذیر
dove	pigeon	کبوتر
destined	intended, fated	مقدر شده
partaker	member, team-mate	عضو - همگروه
forthwith	at once, without delay	فوری - بدون تأخیر
quaff	swallow, gulp down	نوشیدن - سر کشیدن
fountain	spring, source	چشمه - فواره

dwell	stay, reside	ساکن شدن
leafy	blossoming, green	پربرگ
soar	fly, ascend	پرواز کردن - طیران
sail	navigate, float	شنا کردن - بادبان کشیدن
shore less	unlimited	بیکران
nostril	nose	مشام - بینی
attune	fiddle with; make legal	دمساز شدن - دمساز کردن
soul-entrancing	revitalizing; refreshing	جانپرور
banquet	formal meal; dinner	شام - غذای رسمی
elixir	antidote; cure; drug	اکسیر - نوشدارو
contemplate	consider; think	اندیشیدن
consent	permission; approval	رضایت
voice	vote; right to be heard	حق - نظر - رأی
ill-advised	foolish; misguided	ناصواب
enmity	hate; hostility	دشمنی - ضغینه
ill-feeling	ill will; enmity	بغض - دشمنی
party	gathering; group	گروه - دسته - حزب - طرف ازدواج
reside	live in; inhabit	ساکن بودن - زندگی کردن در محلی
meet	convene; go through	منطبق بودن با
remainder	rest; leftovers	بقیه - دنباله
refrain	avoid doing; leave off	پرهیز کردن - دوری و اجتناب کردن
aversion	dislike; hatred	تنفر - بیزاری
realize	understand; recognize	واقع شدن - جاری شدن امری
in seeking	in quest of; in search of	در مورد
maidservant	a woman servant	امه - کنیز
confirm	verify; prove	اثبات و تطبیق کردن
servitude	assist; help	خدمت - کمک
suffer	experience; endure	تحمل کردن - تجربه کردن
bestowal	assignment; transfer	منتقل کردن - تکلیف
inexhaustible	infinite; unlimited	نامحدود - پایان ناپذیر

supplicate	beg; pray	تمنا کردن - خواستن
invoking	appealing; stating	بیان کردن - خواستن
omnipotent	all-powerful; invincible	قادر و توانا - غلبه‌ناپذیر
omnipresent	all-pervading; universal	همه جا حاضر و ناظر

CHAPTER 11

fairness to yourself and others

administer	manage; direct	برقرار ساختن امری
animated	energetic, dynamic	به شوق آمده - به حرکت درآمده
wisest	the most intelligent, the most clever	آگاه‌ترین - داناترین
touch	impress, affect	اشاره کردن
recapitulate	review; sum up	ارزیابی مجدد
impartiality	fairness, lack of prejudice.	بیطرفی
hearsay	gossip, unfounded information	بی اساس - شایعه
confide	reveal, tell	آشکار ساختن - گفتن
impulsive	hasty, rash	آنی - حساب نشده
transgress	do wrong; misbehave	از حد تجاوز کردن
moderation	self-control, control	اعتدال
motive	reason; intention	انگیزه
reprimand	scold; reproach	توبیخ - سرزنش
fairness	justice, equality	عدل و انصاف
inertia	inactivity; inaction	بستی - بیحالی
scornful	critical; disrespectful	به دیده حقارت نگریستن - سرزنش کردن
experimentation	testing, carrying out tests	آزمایشات - تجربیات
mould	cast, die	قالب
diet	watch your weight, go on a diet	رژیم غذایی
injuring	damaging; harmful	صدمه زدن
guilty	in the wrong; shamefaced	گناه
undertake	start; carry out	تقبل کردن - بعهده گرفتن

neglect	abandon, ignore	مسامحه و از یاد بردن
appetizing	delicious; tempting	اشتها آور
honesty	sincerity; truthfulness	صداقت - راستی - امانت
undesirable	unwanted; disagreeable	غیر مرضیه - ناخواسته
unconsciously	without thinking; involuntarily	ناخود آگاهانه
ego	personality; character	منیت
persona	character; role	شخصیت (خیالی و ذهنی)
dramatis persona	actor	هنرپیشه تئاتر
accuse	blame; point the finger at	متهم کردن
insincerity	dishonesty; hypocrisy	عدم صمیمیت
destitute	poor; needy	محتاج - نیازمند
credit	acknowledgment; tribute	به حساب خود گذاشتن
deceive	mislead; trick	فریبکاری - گول زدن
property	possessions; belongings	مایملک
procedure	process; method	جریان - روند
source	starting place; fund	منبع - سرچشمه
indication	sign; hint	ذکر کردن - مشخص کردن
conduct	behaviour; manner	امور - رفتار
comprehensive	complete; broad	جامع
deprive	leave without; take away	محروم کردن
recognition	acknowledgment; respect	شناختن
acquaintance	friend; social contact	دوستان - آشنایان
scheme	plan; plot	ترتیب دادن - نقشه کشیدن
distasteful	offensive; unpleasant	ناخوشایند
devoted	dedicated; faithful	مؤمن - فداکار
extremely	very; really	بسیار
impose	oblige; enforce	تحمیل کردن
enquire	ask; find out	مطلع ساختن
convenient	suitable; handy	در دسترس بودن
bountifully	plentifully; generously	وفور نعمت - فراوانی - بادست و دلپازی

pioneers	one who breaks new ground; originate	مهاجرین
perferment	upgrading; promotion	اولویت - ترجیح - مرجع داشتن
dominion	territory; region	قلمرو
peer	equal; associate	همعصر - دوست
reign	period in office; govern	حکمرانی حاکمیت (قانون)
absolutely	completely; very	کامل - مطلق
prominent	famous; outstanding	مشهور - شاخص
commit	perform; cause	ارتکاب - انجام دادن
obscure	difficult to understand; doubtful	گمنام
resort	remedy; choice	روی آوردن - انجام دادن
exemption	exemption; release	شانه خالی کردن - استثنا شدن
onerous	heavy; tedious	شاق
creed	statement of belief; belief	باور
delegate	give; hand over	
orderly	arranged; neat	مرتب و منظم
staff	employees; workers	کارمندان - همکاران
efficiently	well; powerfully	مؤثر و مفید
harmoniously	musically; pleasantly	هماهنگ
enterprise	endeavour; activity	فعالیت - کار مهم و نیازمند تلاش زیاد
competitive	aggressive; ready for action	رقابتی - آماده عمل
obtain	get; take	بدست آوردن - اخذ - گرفتن
satisfaction	happiness; pleasure	رضایت خاطر
extremes	limits; boundaries	حد پایینی و حد بالایی
sustenance	food; nourishment	فقر
competent	proficient; expert	شایسته
flexible	elastic; bendable	منعطف - قابل انعطاف - انعطاف پذیر
discipline	order; regulation	'تحت نظم و قاعده در آوردن - مهار کردن
immediate	instant; abrupt	آنی
imaginatively	creatively; inventively	خیالی - نظری
conviction	assurance; certainty	اطمینان

tyranny	cruelty; dictatorship	ظلم
shed	drop; hut	نور افشاندن
transformed	changed; altered	متحول شده

CHAPTER 12

Consultation

share	contribute to; communicate	در میان گذاشتن (عقاید) - اشتراک (عقاید)
consultants	experts; counsellor	مشورت کنندگان
merged	compound; fused	یکی شدن (امتزاج یافتن)
self-centred	selfish; self-interested	خودمحور
terms	expressions; verbal communication	عبارات - کلمات
luminary	star; leading light	نیر
compassion	sympathy; kindness	شفقت
attitude	manner; thoughts	حالت - نگرش
atmosphere	mood; impression	جو
utmost	greatest; highest	نهایت - حد اعلا
devotion	attachment; care	ایثار و فداکاری
courtesy	good manners; civility	صمیمیت
dignity	formality; majesty	ادب و وقار
stubbornness	inflexibility; determination	لجاجت
persistence	perseverance; resolution	اصرار در رأی
ultimately	in the end; eventually	نهایتاً
discord	disagreement; conflict	عدم سازش - اختلاف
wrangling	power struggle; internal strife	منازعه - اختلاف
honoured	privileged; grateful	اعضا محفل
belittle	demean; put down	تحقیر کردن - خوار و خفیف شمردن
arise	happen; occur	بروز کردن - حادث شدن
majority	mainstream; popular	اکثریت
pervail	triumph; succeed	غالب شدن

submit	accpt; yield	مطیع شدن - سرفرود آوردن
trace	hint; evidence	شائبه - رد - اثر
estrangement	separation; division	بیگانگی - اختلاف
achieve	do; attain	دست یافتن - نائل شدن
applied	practical; functional	بکار بردن - استفاده کردن - رعایت کردن
fellowship	friendship; friendliness	دوستانه - صمیمی
inarticulate	speechless; unintelligible	عاجز بودن
applicable	appropriate; valid	تعمیم دادن - بکار بردن
welfare	well-being; interests	خیریه - عام المنفعه
chairman	president; head	رئیس جلسه - ناظم
foster	promote; advance	ایجاد - پرورش
agenda	programme; schedule	دستور کار
stated	proven; known	بیان شده - مطرح شده
stimulate	excite; motivate	برانگیختن - تحریک کردن
convey	express; suggest	منتقل کردن - حکمروا کردن
enthusiasm	eagerness; interest	شور - شوق و ذوق
humour	wit; funniness	شوخی طبعی
in case	lest; for fear that	در صورتی که
scold	reprimand; reproach	سرزنش
particular	exacting; exact	مخصوص
concern	worry; anxiety	نظر - جنبه
wandering	rambling; drifting	پراکنده
discussion	debate; conversation	بحث - مشاوره و شور
tactful	diplomatic; polite	نزاکت - مبادی آداب بودن
therapy	treatment; healing	درمان
emotional	touching; exciting	عاطفی - احساسی
summarize	sum up; condense	' خلاصه کردن
strategic	tactical; planned	مواقع حساس و مهم
fairly	quite; reasonably	اغلب
thread	fibre; line	رشته - سرنخ

irrelevant	unrelated; irrelevant	نامربوط
scattered	expanded; spread	پراکنده
adequate	sufficient; enough	کافی
railroaded		سرهم بندی
attainment	achievement; accomplishment	حصول و نائل شدن
furnish	supply; provide	تجهیز کردن - ترتیب دادن
antagonism	dislike, hatred	معارضه و مخاصمه
investigation	study, search	تحری
set forth	present; express	پیشنهاد دادن - بیان کردن - ارائه کردن
consensus	agreement; harmony	توافق
coincide	agree; match	تصادم - برخورد
spark	flash; glow	بارقه - جرقه
flint		سنگ آتش زنه - سنگ چخماق
weigh	consider; think about	سنجیدن
serenity	tranquillity; calmness	آرامش کامل - ملایمت
composure	serenity; calm	متانت
wilfully	disobediently; insubordinately	خودسرانه
endeavour	try; effort	تلاش و کوشش
distributed	spread; circulated	توزیع شده - پخش شده
failing	worsening; fading	کوتاهی کردن - ادا ننمودن
excess	surplus; overload	حد بالا یا پایین
tend	lean; have a tendency	تمایل داشتن
evoke	bring to mind; suggest	برانگیختن - باعث شدن
conduct	behaviour; manner	رفتار و منش
continued	constant; continuous	مستمر - مدام - تکراری
presenting	offer; introduce	بیان کردن - ارائه کردن
interrupt	break off; cut short	قطع کردن حرف کسی - مداخله
delay	wait; postponement	به تأخیر انداختن
inexcusable	unforgivable; rude	غیر قابل قبول
whining	droning	شکوه - شکایت

complainer	whiner; moaner	خرده گیر - شاکی - شکوه کننده
vital	very important; fundamental	حیاتی - لازم - ضروری
thereof	of or concerning this; that; or it	بنا بر این
counsel	advice; guidance	شور و مشورت کردن
clash	fight; conflict	تصادم - برخورد
mature	adult; grown-up	بالغ
conviction	confidence; assurance	متقاعد کردن
state	declare	بیان کردن
involved	concerned	مرتبط با - مربوط به
mislead	misinform; deceive	گمراه کردن - گمراه شدن
pilgrim		زائر
prerogative	privilege; right	حق
motion	suggestion; proposal	پیشنهاد
adjourn	end; stop	ختم مذاکره
whole-hearted	enthusiastic; sincere	با تمام وجود - از ته دل
evaluate	weigh up; estimate	ارزیابی کردن
mere	plain; sheer	صرف - محض
renewed	improved; new	تجدید - تازه شده - جدید

CHAPTER 13

Joy gives us wings

reveal	make known; tell	آشکار ساختن - گفتن
cheer	shout approval; joyfulness	سرشار کردن - انباشته از شادی کردن
oriental		شرقی
depressed	unhappy; sad	احساس غم و اندوه کردن
unworthiness	shame; disgrace	عدم لیاقت
enquired	asked; found out	جويا شدن
exclaimed	shouted; yelled	با هیجان گفتن
query	question; enquiry	جستجو - تحقیق
reckoning	calculation; computation	محاسبه

absorbed	fascinated; engaged	مجذوب
supremely	extremely; completely	به غایت - در نهایت
tidings	news, report	بشارت
keener	more ready; sharper	زیاد شدن - تیز شدن هوش
sphere	realm; area	مرتبه
dim	not bright; faint	تیره و تار شدن - کم شدن
veiled	obscure; masked	محتجب شدن
vicissitude	obstacle	موانع - مشاگل - مصائب - متاعب
vocation	occupation, inclination	گرفتاری شغلی
trial	test; experiment	امتحان - افتتان
consequence	result; end result	نتیجه
untrustworthy	unreliable; dishonest	غیر قابل اعتماد
analyses	analyse; analysis	تجزیه - تحلیل
omniscient		دانای کل - عالم بر کل
dependence	trust; belief	توکل کردن - متوکل شدن
exalted	glorious; dignified	عزیز
moaning	complaining; fault-finding	جزع و فزع
lamentation	weeping; crying	جزع و فزع
before	facing; ahead of	نزد - حضور - پیشگاه
blaming	criticizing; accusing	عیبجویی کردن - سرزنش کردن
approach	tactic; style	دیدگاه - طرز تفکر - بینش
recur	happen again; return	تکرار - دوباره اتفاق افتادن
forked	split; divided	محل تقاطع راهها
regret	be sorry; lament	پشیمانی
remorse	regret; sorrow	تأسف
torment	suffering; distress	رنج و عذاب دادن
confused	puzzled; perplexed	آشفته - مغشوش - مبهم
turmoil	chaos; disorder	آشفستگی
foresee	predict; forecast	پیش بینی کردن
mesh	net; network	کمند - تور

mortal	earthly; worldly	این جهانی - فناپذیر
conception	idea; notion	خیال
dart	dash	تیر
decree	order; law	تقدیر
transcend	rise above; excel	ارتقا - پیشرفت
snare	trap	دام
prevailing	widespread; existing	مسی
nobility	dignity; goodness	شرافت - بزرگواری
disastrous	terrible; catastrophic	فاجعه آمیز
calamity	disaster; catastrophe	فاجعه - بدبختی
console	comfort; calm	آرام کردن
piled up	crashed; smashed	انباشته شدن
overwhelming	irresistible; great	بار گران - فوق طاقت
tension	worry; stress	فشار روحی
decrease	reduce; lessen	کاستن - کم شدن
efficiency	effectiveness; good organization	بازده
temporary	short-lived; passing	موقت
re-creation	rebirth; regeneration	شادابی - سرزندگی - بازآفرینی
retreat	move away; run away	عقب نشینی - احتراز
confined	restricted; limited	محدود
prolonged	long-lasting; long-standing	طولانی - طویل المدت
tranquillity	calmness; peace of mind	آرامش باطنی
ward	zone; division	بخش بیمارستان
convalescence	period of recovery	دوره نقاهت
solace	comfort; relief	تسلی
conducive	contributing to	سبب
maturity	adulthood; ripeness	'بلوغ - کمال
psychosomatic	mental; emotional	زوانی
remedy	healing; cure	درمان - معالجه
affliction	suffering; problem	آزردگی

hence	therefore; consequently	بنابر این
malady	ill; problem	بیماری - مرض
hatred	hate; extreme dislike	نفرت
lust	desire; envy	حرص
recklessness	irresponsibility; carelessness	بی پروایی
accident prone		در معرض (جاذب) حوادث و اتفاقات
restored	brought back; returned	شفا یافته
sore-vexed	uncomfortable; aching	مضطرب
wayward	naughty; disobedient	گمراه - سرگشته - در راه مانده
abased	lowered; degraded	ذلیل
enlightened	open-minded; free-thinking	دانا - آگاه
gloomy	dark; depressing	مظلم - تاریک - تیره و تار
downtrodden	broken; oppressed	دون - پست
radiant acquiescence	bright agreement; total consent	رضایت کامل
hindrance	barrier; obstacle	مانع - رادع
complain	protest; criticize	شکوه و شکایت
gracefully	charmingly; kindly	خشنودی
loan	credit	عطایا
extravagantly	wastefully; lavishly	اسراف گرایانه - بطور مبالغه آمیز
inconsiderate	selfish; unkind	بی توجه
whine	complain; moan	شکوه و زاری
nuisance	trouble; bother	مزاحم
conform	obey the rules; match	تابع - پیرو
imply	mean; suggest	القا کردن - بطور ضمنی نشان دادن
dictate	order; utter	زور گویی - دستور دادن
guard	protect; shield	دوری و احتراز کردن
blankness	emptiness; nothingness	بیعلاقگی
retire	give up work; be pensioned off	بازنشسته شدن
executive	administrative; supervisory	نظارت - سرپرستی
unsuspected	innocent; naive	غیرمنتظره - بی گناه

profession	occupation; business	شغل
transcribe	copy out; write down	رونویسی - بازنویسی
inadequate	insufficient; not enough	ناکافی
hostess		میزبان
librarian		کتابدار
latter	last; final; second	سابق الذکر - دومی - آخرین
compliment	praise; kind word	تعارف
privilege	freedom; right	امتياز مخصوص
mentally	spiritually; emotionally	فکری - روحی
incompetent	useless; unskilled	ناتوان
frail	weak; fragile	ضعیف
bitterly	resentfully; angrily	از روی عصبانیت - سرزنش کننده
on the grounds	due to; based on the reason	با این عذر - بر این مبنا
discuss	argue; talk about	بحث - مشاوره
losing face	shame; embarrassment	از دست دادن روحیه
definitely	absolutely; without doubt	صریحاً
association	organization; friendship	همیاری و همراه
ardently	keenly; eagerly	خالصانه - با سوز و گداز - از روی تضرع و ابتهال
dread	fear; terror	وحشت - ترسیدن
hell	torture; misery	جهنم
shortcoming	inadequacy; fault	خطاها
purification	distillation; refinement	تعمید یافتن - خالص شدن
terrified	frightened; scared	وحشت زده - در هراس
compensate	give back; balance	حیران کردن
destroy	annihilate; tear down	تحلیل - از بین رفتن
aspect	feature; trait	جنبه
loom	become visible; emerge	جلوه گر شدن
reservation	something that is kept back or withheld	ممنوع - ممنوعیت
glorious (heights)	wonderful; splendid	ملکوت

meditation	thought; reflection	تفکر و تمرکز
unfolding	telling; recitation	تحقق
abundant	plentiful; rich	بسیار زیاد - به نهایت درجه
rejoicing	cheeriness; happiness	مسرور نمودن - شاد نمودن
sympathize	feel sorry for; understand	غمخوار
brooding	to hover envelopingly; loom	محافظت کردن
trash	garbage; waste	بی ارزش - کاه
annihilate	destroy; eradicate	از بین رفتن - محو شدن
everlasting	eternal; endless	ابدی
quotation	extract; citation	نقل قولها - بیانات - گفته‌ها

اصل بعضی از نصوص مبارکه

فصل دوم

Blessed are the learned that pride not themselves on their attainments ...

فیاطوبی لعالم لن یفتخر علی دونه بعلمه (امرو خلق، ج ۳، ص ۱۷۸) (اخلاق بهایی، ص ۱۱۸)

O Children of Men; Know ...

یا ابناء الانسان هل عرفتم لما خلقناکم من تراب واحد لنلا یفتخر احد علی احد و تفکروا فی کل حین فی خلق انفسکم و اذا ینبغی کما خلقناکم من شینی واحد ان تکنونوا کنفس واحده ... (فقره ۶۸، کلمات مکنونه عربی)

O My Servant; Free ...

ای بنده من از بند ملک خود را رهایی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن. وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی. (فقره ۴۰، کلمات مکنونه فارسی)

O My Servant; Thou art ...

ای بنده من مثل تو مثل سیف پر جوهری است که در غلاف تیره پنهان باشد و به این سبب قدر آن بر جوهریان مستور ماند. پس از غلاف نفس و هوای بیرون آی تا جوهر تو بر عالمیان هویدا و روشن آید. (فقره ۷۲، کلمات مکنونه فارسی)

Help him to see and recognize the truth, without esteeming yourself to be, in the least, superior to him, or to be possessed of greater endowments.

(... اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد) باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم

نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند. (مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۱ لوح جمال)

The second attribute of perfection ...

... ثانی صفت کمالیه عدل و حقانیت است و آن عدم التفات و التزام منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه خود و بدون ملاحظه و مراعات جهتی از جهات بین خلق اجراء احکام حق نمودن و نفس خود را چون افراد بندگان غنی مطلق شمردن و جز امتیاز معنوی در امری از امور تفرد از جمهور نجستن ... (رساله مدنیّه، صص ۴۷ - ۴۶)

We pray God ...

نسأل الله ان يحفظك من حرارت الحقد و صبارة البرد (لوح ابن ذئب، ص ۶۹)

O Son of Earth;

ای پسران ارض براستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد البته به جبروت باقی من در نیاید و از ملکوت تقدیس من روائح قدس نشنود. (فقره ۶، کلمات مکتونه فارسی)

O Son of Being; How ...

یا ابن الوجود کیف نسیت عیوب نفسک و اشتغلت بعیوب عبادی من کان علی ذلک فعلیه لعنة منی (فقره ۲۶، کلمات مکتونه عربی)

O Emigrants; The tongue ...

ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است به غیبت میالانید و اگر نفس ناری غلبه نماید به ذکر عیوب خود مشغول شوید نه به غیبت خلق من زیرا که هر کدام از شما به نفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من. (فقره ۶۶، کلمات مکتونه فارسی)

... for He, a wanderer in the desert of God's love ...

... چه که این آواره بادیّه محبت الله به عالمی افتاده که دست تحسین و تزییف و تصدیق و تکذیب کل کوتاه است ... (رساله مدنیّه، ص ۸)

O Companion of My throne;

ای رفیق عرشی بد مشنوبد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل بر میار یعنی بد مگوتان شنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی میسند تا ذلت تو چهره نگشاید ... (فقره ۴۴، کلمات مکتونه فارسی)

For the tongue is a smouldering fire, ...

چه زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سمی است هلاک کننده. نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد. اثر آن نار به ساعتی فانی شود و اثر این نار به قرنی باقی ماند. (ایقان، ص ۱۱۴ چاپ هند و برما)

O Son of Dust ...

ای پسر خاک غافلترین عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر برادر خود تفوق جوید. بگوای برادران به اعمال خود را بیارایید نه به اقوال. (فقره ۵، کلمات مکنونه فارسی)

That seeker should, also, regard backbiting ...

شخص مجاهد باید ... غیبت را ضلالت شمرد و به آن عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند ... (ایقان، صص ۱۵۰ - ۱۴۹)

Be worthy of the ...

کن فی الحقوق امیناً ... وفی الوعد وفیاً ... (لوح ابن ذنب، صص ۶۹ - ۶۸)

He should not ...

شخص مجاهد ... باید ... آنچه برای خود نمی پسندد برای غیر می پسندد و نگوید آنچه را وفا نکنند. (ایقان مبارک، صص ۱۱۵ چاپ هندو برما)

... it is in no wise permissible for one to belittle the thought of another ...

ابداً جائز نه که نفسی تزئیف رأی دیگری نماید. (اصول نظم اداری بهایی - تهیه لجنه ملی جوانان، ص ۲۷)

فصل سوم

اصل بیانات مندرج در صفحه ۳۳، ۳۴ به ترتیب به شرح زیر است:

«عشق واقعی امکان ندارد مگر آنکه انسان رو بسوی خدا آورد و مجذوب جمال الهی گردد.»
(اعلان صلح عمومی، ص ۱۳)

«عشق به عالم انسانی از عشق به خدا سرچشمه می گیرد و به واسطه موهبت و فضل الهی ظاهر می گردد.»

«بزرگترین نیروی عالم انسانی محبت الله است. این عشق ملل مختلف را در ظل خیمه محبت مجتمع می سازد.» (مفاوضات عبدالبهاء، صص ۳۴۵ تا ۳۴۶، فصل ۸۴ متن انگلیسی)

«باید به جمیع انسانها با عشق و محبت و احترام نگریست. زیرا آنچه مادر انسانها مشاهده می کنیم چیزی جز آثار و علائم ذات خداوندی نیست.» (اعلان صلح عمومی، ص ۲۲۶)

«وقتی که یکی از خویشان و یا هموطنان خود را دوست دارید بگذارید این دوستی و محبت با شعاعی از عشق سرمدی همراه باشد.»

بگذارید این عشق به خدا و برای خدا باشد. در هر کسی که صفات الهی یافتید، خواه بیگانه، به آن فرد عشق بورزید. با هر موجود انسانی که مواجه می شوید بر او نور عشق بیکران خویش را منعکس نمایید ...

نسبت به جمیع بشر، نسبت به همه موجودات انسانی هرگز این نکته را فراموش نکنید»

(خطابات عبدالبهاء، متن انگلیسی ص ۳۸ «عشق جهانی»)

«عشق بی شائبه و بزرگ نسبت به عالم انسانی ... یگانه عشق کامل و حقیقی است، که امکان آن برای همه افراد بشری وجود دارد و فقط با استمداد از روح القدس الهی می توان بدان نائل گردید»
(خطابات عبدالبهاء، ص ۳۷ «عشق جهانی»)

«تمام مقاصد شخصی را به کناری بگذارید و با اطمینان کامل بدانید که همه انسانها بندگان خداوندی هستند که آن ذات اقدس الهی آنها را از طریق عشق و الفت با یکدیگر متحد می سازد»
(اعلان صلح عمومی، ص ۳۱۶)

فصل چهارم

بیانات مندرج در صفحه ۳۶ به ترتیب:

«رأس الايمان هو التقلل في القول والتكثر في العمل ومن كان اقواله ازيد من اعماله فاعلموا عدمه خير من وجوده وفنائه احسن من بقاءه» (از الواح حضرت بهاء الله - لوح اصل كل الخير)
«تمام سعی و مجاهدت یک انسان از قلبش که سرشار از پرستش یزدان است مایه می گیرد و این از انگیزه والا و اراده زیاد چنین مردانی در جهت خدمت به بشریت ناشی می گردد» (خطابات پاریس)

«اگر در دنیا اشتباه ادامه و وجود دارد بدان علت است که انسانها فقط در مورد ایده الهای خود صحبت می کنند و هیچ کوششی بعمل نمی آورند تا بدانها جامه عمل بپوشند ...
فردی که اعمال بسیار نیک انجام می دهد و از آن صحبتی بمیان نمی آورد در مسیر کمال است»
(خطابات پاریس)

بیانات مندرج در صفحه ۴۲ به ترتیب:

«حصول هر چیزی بستگی به دانستن، اراده و عمل دارد و اگر هر سه شرط مهیا نگردد هیچ عمل یا اقدامی ثمر و نتیجه نخواهد داد» (اعلان صلح عمومی)
«هر امر خطیری در این جهان هستی به سه وسیله تحقق می پذیرد: اول قصد و نیت، ثانی تأیید و تصدیق و ثالث اقدام به عمل ...
... زیرا قصد، توان و عمل هر سه عنصر ضروری جمع می گردند و تحقق هر امری در جهان موجود بستگی به این سه اصل دارد» (مکاتیب عبدالبهاء)
«بگذارید اعمال شما فریاد برآرند که حقیقتاً بهایی هستید زیرا اعمال است که جهانیان را بخود جلب می کند و باعث پیشرفت عالم انسانی می گردد ...
... تنها از طریق خدمت لسانی نیست که برگزیدگان الهی به تقدس نائل گردیده اند بلکه از طریق زندگی صبورانه مشحون از خدمات فعالانه روشنی بخش جهان بوده اند» (خطابات پاریس)

فصل پنجم

بیانات مندرج در صفحه ۴۶ و ۴۷ از بیان If we insist that به ترتیب :

«اگر در این امر اصرار ورزیم که این موضوع و آن موضوع احتیاجی به استدلال ندارد و نباید بر اساس طرق معموله و روشهای عقل و منطق مورد امتحان قرار گیرد، پس فایده قوای عقلانی که خداوند به انسان ارزانی داشته است چیست؟» (ترجمه - اعلان صلح عمومی)

«هر چقدر هوش انسان ترقی کند ولی در مقابل دریای خداوند علام قطره‌ای بیش نیست» (ترجمه - اعلان صلح عمومی)

«اولین و بهترین موهبتی که خداوند قادر به انسان عطا کرده است، عطیه ادراک است. این عطیه به انسان قدرت تشخیص حقیقت کل اشیاء را می‌دهد و او را به جای صحیح هدایت می‌نماید و به او مدد می‌کند تا اسرار خلقت را کشف نماید» (ترجمه - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله)

«بزرگترین عطیه الهی به انسان، عطیه عقل یا فهم است ... خداوند این قدرت را به انسان بخشید تا از آن در راه پیشرفت تمدن، برای خیر عالم انسانی، برای ازدیاد محبت و اتحاد و صلح استفاده نماید» (خطابات پاریس)

«از قوه نفس ناطقه ممکن که حقایق اشیاء را کشف نماید و خواص کائنات را ادراک کند و به اسرار موجودات پی برد. این فنون و معارف و صنایع و بدایع و تأسیسات و اکتشافات و مشروعات کل از ادراک نفس ناطقه حاصل» (مفاوضات مبارک، قسمت نح، ص ۱۶۵)

«خداوند به انسان هوش بخشیده و شعور عطا کرده است و به واسطه آن از انسان می‌خواهد تا صحت اسئله و دعاوی را تشخیص دهد» (اعلان صلح عمومی)

بیانات مندرج در صفحه ۴۹ به ترتیب :

«معنی تحری حقیقت چیست؟ آن بدان معنی است که انسان باید تمام اقوال را فراموش کند و خود به جستجوی حقیقت پردازد. زیرا او نمی‌داند که آیا اقوالی را که می‌شنود موافق واقعیت هستند یا خیر؟» (ترجمه از اعلان صلح عمومی)

«مثلاً پنج نفر هستند که تحری حقیقت می‌کنند ... باید نفوس از تقلیدی که از آباء و اجداد موروث مانده منزّه و مقدس گردند ... اگر به تقلیدی تمسک داشته باشیم مانع است که تقلید دیگران را درست تحری نماییم ... پس باید تقلید را بریزد و تحری حقیقت بکند ... این است مسأله تحری حقیقت ...

نتیجه این است که جمیع ملل عالم باید آنچه شنیده‌اند بگذارند نه به هیچ ملتی متمسک باشند و نه از هیچ ملتی متنفر» (خطابات، جلد ۱، صص ۱۴۰ تا ۱۴۲)

«فکر کسی که در جستجوی حقیقت است، متوجه و دقیق و زنده است. فکر متحجر و بی تفاوت، بلااثر و مرده است» (ترجمه از اعلان صلح عمومی)

فصل ششم

بیانات مندرج در صفحه ۵۹ به ترتیب :

«یا اهل البهء قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنائع والافتراف و امثالها وجعلنا اشتغالکم بها نفس العبادة لله الحق تفکروا یا قوم فی رحمة الله والطافه ثم اشکروه فی العشی والاشراق.

لاتضیعوا اوقاتکم بالبطالة والکسالة واشتغلوا بما ینتفع به انفسکم وانفس غیرکم ...
ابغض الناس عند الله من یقعد و یطلب و تمسکوا بحبل الاسباب متوکلین علی الله مسبب الاسباب» (آیات ۷۱ تا ۷۳ کتاب مستطاب اقدس)
«ای بندگان من شما اشجار رضوان منید باید به اثمار بدیعه منیعه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند» (فقره ۷۹ کلمات مکتونه فارسی)

فصل هفتم

بیانات مندرج در صفحات ۷۲ و ۷۳ :

«قدرت قدیمه هر یک از کائنات و انواع موجودات را به مزیتی و منقبتی و کمالی مخصص فرمود تا در رتبه خود آیات داله بر علو و سمو مرتبی حقیقی گردند و هر یک بمنزله مرآت صافیه از فیض و تجلی شمس حقیقت حکایت نمایند.

انسان را از بین کائنات به موهبت کبری مخصص فرمود و به فیض ملاء اعلی فائز کرد و آن موهبت کبری هدایت عظمی است که حقیقت انسانیه مشکاة این مصباح گردد و اشعه ساطعه این سراج چون بر زجاج قلب زند از لطافت قلب سطوع انوار اشتداد یابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید و هدایت کبری مشروط و منوط به علم و دانایی و اطلاع بر اسرار کلمات ربانی است. لهذا یاران الهی صغیراً و کبیراً، رجالاً و نساءً باید بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی نمایند» (مکاتیب عبدالبهء، جلد ۱)

«ارباب علم و صنعت حق بزرگی به گردن اهل عالم دارند» (ترجمه - الواح مبارکه حضرت بهاءالله)
«وای بر نفوسی که به جهل و نادانی قناعت کنند و به تقالیدی چند دل را خوش دارند و در اسفل درکات جهل و نادانی افتادند و عمر خویش را به باد دادند» (مفاوضات عبدالبهء، ص ۱۰۴، قسمت لد)
«در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارف است و به نص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند ... و از جمله خدمات فائقه تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است ... هر چه در این امر مهم اقدام بیشتر فرماید تأییدات و توفیقات بیشتر ظاهر و آشکار گردد به درجه ای که خود شما حیران مانید» (مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهایی، صص ۵۲ و ۵۴)
«آفتاب حقیقی کلمه الهی که تربیت اهل دیار معانی و بیان منوط به اوست و اوست روح حقیقی

و ماء معنوی که حیات کل شیئی از مدد و عنایت او بوده و خواهد بود و تجلی او در هر مرآتیی به لون او ظاهر مثلاً در مرایای قدرت حکما تجلی فرمود حکمت ظاهر شد و همچنین در مرایای افنده عارفین تجلی فرموده بدایع عرفان و حقایق تبیان ظاهر شده»

فصل هشتم

بیانات مندرج در صفحات ۸۸ و ۸۹ به ترتیب:

«علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود. تحصیلش بر کل لازم ... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط. طوبی لمن تمسک به و ویل للغافلین» (لوح این ذنب)

«جميع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آن را برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امیثی به ودیعه گذارند و به اطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود» (لوح دنیا)

«دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز او امر مزین دارد و لکن بقدری که به تعصب و حمیه جاهلیه منجر و منتهی نگردد» (کلمات فردوسیه)

حضرت عبدالبهاء در مورد لزوم تعلیم و تربیت مطالب متنوع تری را بیان می دارند و به شرح جزئیات می پردازند: «... در نزد خدا علم افضل منقبت انسان و اشرف کمالات بشر است. معارضه به علم جهل است و کاره علوم و فنون انسان نیست بلکه حیوان بی شعور. زیرا علم نور است، حیات است، سعادت است، کمال است، جمال است و سبب قریبت درگاه احدیت است. شرف و منقبت عالم انسانی است و اعظم موهبت الهی ... خوشا به حال نفوسی که ایام خویش را در تحصیل علوم و کشف اسرار کائنات و تدقیق حقیقت صرف نمایند و وای بر نفوسی که به جهل و نادانی قناعت کنند و به تقلیدی چند دل را خوش دارند و در اسفل درکات جهل و نادانی افتادند و عمر خویش را به باد دادند» (مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۰۴، قسمت لد)

«لکن تربیت بر سه قسم است: تربیت جسمانی، تربیت انسانی و تربیت روحانی. اما تربیت جسمانی به جهت نشو و نما و این جسم است و آن تسهیل معیشت و تحصیل اسباب راحت و رفاهیت است که حیوان با انسان در آن مشترکند.

و اما تربیت انسانی عبارت از مدنیت است، ترقی یعنی سیاست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسیمه که مدار امتیاز انسان از حیوان است. و اما تربیت الهیه تربیت ملکوتی است و آن اکتسابات کمالات الهیه است و تربیت حقیقی آن است ... و آن نتیجه عالم انسانی است» (مفاوضات)

فصل نهم

بیانات مندرج در صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷ به ترتیب:

«پیامبران نیز بر این عقیده‌اند که تربیت تأثیر زیادی بر روی نوع انسان دارد ولی اعلان می‌دارند که عقول و ادراک با هم متفاوتند و این موضوع نیز واضح و بدیهی است و نمی‌توان آن را انکار کرد. ملاحظه می‌کنیم که کودکانی که دارای سن و سال، یک ملیت، یک نژاد و یا حتی از یک خانواده هستند و تحت نظارت معلم واحدی تربیت یافته‌اند از نظر عقول و افکار با هم متفاوتند. یکی به سرعت پیشرفت می‌نماید و دیگری در طریق کسب علم و فرهنگ به کندی گام برمی‌دارد و برخی دیگر حتی در پایین‌ترین درجه از حماقت باقی می‌مانند.

... خار و حنظل، هرگز بر اثر تربیت شهد و انگبین بار نمی‌آورند، یعنی آنکه تربیت گوهر انسانی را تغییر و تبدیل نمی‌دهد ولی تأثیر بسیار دارد. به واسطه قدرت مؤثر تربیت است که تمام فضائل و تواناییهای نهفته در سرشت انسان ظهور و بروز می‌نماید.» (ترجمه آیین جهانی بهایی، صص ۳۹۷ و ۳۹۸ به نقل از حضرت عبدالبهاء)

«... هیچ نفسی نباید از تربیت محروم گردد، هر چند که هر فردی باید به اندازه ظرفیت خودش مورد تعلیم قرار گیرد.» (ترجمه انتشار صلح جهانی، ص ۱۰۴ - حضرت عبدالبهاء) صفحه ۱۱۵:

«حضرات ملوک ... و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند و همچنین خط. در این صورت ارض قطعه واحده مشاهده شود.» (روح بشارت، بشارت سوم)

«قبلاً تعلیم داده بودیم که مردم باید به دوزبان تکلم نمایند حتی باید جهد نمود تا به لسان واحد تقلیل یابد و همچنین خطوط دنیا به یک خط تا اینکه عمر انسان در راه یادگیری السن مختلفه ضایع نگردد تا اینکه کل ارض به صورت یک شهر و یک سرزمین درآید.» (ترجمه از الراح مبارکه حضرت بهاء‌الله)

لیست تعدادی کتب انگلیسی برای مطالعه دانشجویان

A list of the Baha'i Literature

1. A Guide to The Administrative Order of Baha'u'llah (by H. M. Balyuzi) .
2. A Manual for Pioneers (by Ruhyyih Rabbani)
3. A Tribute to Shoghi Effendi (by Amelia Collins)
4. Baha'i Adminstration (by Shoghi Effendi)

5. Baha'i Life (by John A. Davidson)
6. Baha'u'llah and The New Era (by J. E. Esslemont)
7. Christ and Baha'u'llah (by George Townshend)
8. Epistle to The Son of Wolf (translated by Shoghi Effendi)
9. Foundation of World Unity (by Adib Taherzadeh)
10. Gleanings from The Writings of Baha'u'llah
11. God Passes by (by Shoghi Effendi)
12. Kitab-Aqdas (The Most Holy Book of Baha'u'llah)
13. Memorials of The Faithful (by Abdu'l-Baha)
14. Memories of Abdu'l-Baha (by Stanwood Cobb)
15. Nabil's Narrative (Translated by Shoghi Effendi)
16. Narcissus of Adda (by Abu'l-Qasim Faizi)
17. Not Every Sea Hath Pearls (by Louie Albee Mathews)
18. Paris Talks of Abdu'l-Baha
19. Prayers & Meditations (by Baha'u'llah)
20. Release The Sun (by William Sears)
21. Selections from The Writings of Baha'u'llah
22. Some Answered Questions (by Abdu'l-Baha)
23. Tablets of Abdu'l-Baha
24. The Abdu'l-Baha (by H. M. Balyuzi)
25. The Advent of Divine Justice (by Shoghi Effendi)
26. The Bab (by H. M. Balyuzi)
27. The Baha'i Faith (by Gloria Faizi)
28. The Baha'i Revelation (by Baha'u'llah & Abdu'l-Baha)
29. The Baha'i World
30. The Baha'u'llah (by H. M. Balyuzi)
31. The Book of Certitude (The Kitab-I-Iqan)
32. The Chosen Highway (by Lady Blomfield)
33. The Hidden Words of Baha'u'llah (translated by Shoghi Effendi)
34. The Martyr-Prophet of A World Faith (by William Sears)

35. The New Garden (by Hooshmand Fatha'Azam)
36. The Prescription for Living (by Ruhiyyih Rabbani)
37. The Priceless Pearl (by Ruhiyyih Rabbani)
38. The prince of Martyrs, Imam Husayn (by Abu'l-Qasim Faizi)
39. The Promised Day is come (by Shoghi Effendi)
40. The Promise of All Ages (by George Townshend)
41. The Revewal of Civilization (by David Hofman)
42. The Will and Testament of Abdu'l-Baha (Baha'i Publishing Trust, London)
43. The World Order of Baha'u'llah (by Shoghi Effendi)
44. Thief in the night (by William Sears)
45. To-Morrow and To-Morrow (by Standwood Cobb)

The above list of the Baha'i Literature is drawn up by Hasan Mahbubi, to be studied adequately by the Baha'i youth for deepening their knowledge in English language.

With the warmest love and Baha'i greetings.

تمرينات

CHAPTER 2

The Prison of Self

A: In each of following questions (1 to 10) choose the one item (a, b, c, or d) which completes the sentence correctly or gives a synonym for the underlined word(s):

1. Any action that many lead to our separation from other people is often the result of our -----.

- a. endeavour b. self-love c. needs d. resplendent

2. Baha'is beleive that ----- prevents man from receiving a portion from the eternal Bounty.

- a. love b. veil c. egotism d. sheath

3. A ----- person has no regard of his own personal benefits.
 a. jealous b. truly just c. competitive d. pride
4. ----- is an attribute of perfection.
 a. Justice b. Remnant c. Amplitude d. Acclaim
5. If one looks towards the people, one will see their ... and so feels unhappy.
 a. virtues b. integrities c. imperfections d. directions
6. People who use whining as a method of getting their own way are very -----.
 a. strong b. weak c. intelligent d. conforming
7. By ----- the one who sulks, we encourage him to do the same the next time he is offended.
 a. ignoring b. disagreeing c. concealing d. propitiating
8. A person who maintains sullen silence for relatively long periods of time, is -----.
 a. quarrelsome b. contentions c. unified d. neurotic
9. He ----- so much about his accomplishments that was annoyed.
 a. boasted b. hesitated c. devoured d. tended
10. You should try to be engaged in the ... of the Lord all the time.
 a. frustration b. commemoration
 c. contentment d. indecisiveness

B: In questions 11-20 match the given words with one of the words or phrases in the columns on the right side, which has almost the same meaning.

- | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------|
| 11. ponder | a. shield | k. talent |
| 12. conceal | b. adore | l. promise |
| 13. resplendent | c. consider | m. insidious |
| 14. striving | d. debate | n. splendid |
| 15. endowment | e. hide | o. tantrum |
| 16. reproach | f. abase | p. assent |
| 17. deprive | g. prevent from | q. great effort |
| 18. depression | h. unfair | r. sanctity |

19. pledge

i. offensive

s. aspire

20. aggressive

j. blame

t. being sad

C: Answer the following questions with reference to the contents of chapter 2.

21. Those who strive to be first and excuse themselves on the grounds that "it's natural to want to be first" -----.

- a. become entangled in the web of competition
- b. spend their energy on making the best use of their abilities
- c. are imbued with all good qualities

22. People who usually think that their own ways of thinking and acting is much better than others -----.

- a. are responsible for the education of children
- b. spend their energy in making the best use of their abilities
- c. frequently find fault with people they encourage

23. Those individuals who value the approval of others more than their own integrity are often willing to -----.

- a. conceal their standards and behave as their neighbours do
- b. behave in a way that makes him different from the others
- c. none of the above

24. A person who talks too little must always remember that he has no right to -----.

- a. talk too much about his own achievements
- b. deprive others from his own knowledge and experience
- c. give others the opportunity to express their ideas

25. In order to persuade somebody not to backbite, we can try to -----.

- a. change the subject of conversation
- b. mention some of good traits of the person being talked about.
- c. both a and b

26. Psychologists believe that the dominating techniques people use are -----.

- a. superior to standards of other cultures
- b. "soul searching" devices
- c. aggressive responses to frustration

CHAPTER 3

Strive for Gentleness and Love

A: In each of the following questions (# 1 to 10) choose the one item (a, b, c, or d) that best completes the sentence or has approximately the same meaning as that of the underlined word(s).

1. Abdul-Baha's talks on His travels in Europe and America illuminated a great many souls.

- a. expressed b. imagined c. enlightened d. interfered

2. His funny remarks always made the friends' gathering -----.

- a. proud b. glowering c. delicious d. delightful

3. Our hearts shall be the harbor of God's love.

- a. hospital b. contour c. d. character

4. She is the first Baha'i who is going to settle in that country so we may call her a -----.

- a. procedure b. pioneer c. progress d. power

5. A cripple is a person unable to ----- properly.

- a. talk b. walk c. hear d. see

6. In order to get able to practice love and unity, we all shall see no foreignness, but shall know all as friends.

- a. friendliness b. kindness c. strangeness d. gentleness

7. When facing a stressful situation, a person will not get ----- if he or she recalls god's vast bounties.

- a. flurried b. tranquil c. gentle d. courteous

8. It is natural of every mother to feel affection toward her children.

- a. felicity b. courtesy c. sorrow d. love

9. He who puts his trust in god will always be ----- and calm.

- a. tranquil b. travelling c. entertaining d. into

10. By an exaggerated compliment he tried to flatter the hostess for the she had prepared.

- a. praise too much b. hurt repeatedly
c. visit repeatedly d. like too much

B: In questions 11-20 match the given words one of the words or phrases in the columns on the right side, which has almost the same meaning.

- | | | |
|------------------|--------------------|------------------|
| 11. ailing | a. entertainer | k. help; share |
| 12. contribution | b. be friend | l. elaborate |
| 13. remedy | c. habit | m. stick |
| 14. aim | d. goal | n. consider |
| 15. host | e. embarrassed | o. clearly |
| 16. gracious | f. acquaintance | p. forbearance |
| 17. felicity | g. healer | q. circumstances |
| 18. apparent | h. quotation | r. merciful |
| 19. patience | i. attitude | s. judge the |
| 20. appreciate | j. great happiness | t. flame |

C: Read the following paragraphs and then choose the best choice or phrase for the given question.

One of the secrets of planned hospitality is to avoid making guests feel that you have made a tremendous effort on their behalf. If necessary, serve a simple meal, in order to give friends the feeling that it has been easy to get ready for them, and you therefore can enjoy being with them.

There are women who are charming hostesses for planned hospitality. They are completely at a loss if unexpected guests arrive. No one who knows them thinks of stopping by for a half-hour's chat.

Written Assignment:

21. According to the above passage, when you invite guests you shall act in such a way that:

- a. guest feel you have made a tremendous effort on their behalf.**
- b. they do not think it has been difficult for you to get prepared for entertaining them.**
- c. you can avoid tremendous effort on the guests' behalf.**
- d. a very simple meal can be served.**

22. How can a host give his guests the feeling that it has been easy for him to get ready for them?

23. According to the above passage:

- a. charming hostesses are completely at a loss if unexpected guests arrive.**
- b. no one will think of stopping by for a chat, if he or she knows that a woman has difficulty in receiving unexpected guests.**
- c. not every woman who is a good hostess for invited guests, is also able to entertain people who suddenly 'drop in' when they are going past her home.**
- d. women who are charming hostesses, lose their hospitality if unexpected guests arrive.**

Try to adapt to the conventions of others when you talk to them. Customs differ greatly from country to country, and from group to group. Actions which to me show good manners may seem impolite to one who has been brought up in a different society.

Many of these customs are morally right not wrong. They are just what people are used to and the friendly Baha'i should make an effort not to shock people by acting contrary to their customs.

24. One shall try to adapt to the conventions of others:

- a. because customs are different greatly from country to country.**
- b. in order to avoid shocking people by acting contrary to their customs.**
- c. because many of the customs are morally neither right nor wrong.**
- d. in order to talk to them.**

25. Customs are:

- a. morally right.
- b. impolite to people that have been brought up in a different society.
- c. good manners.
- d. manners which people are used to.

26. When will not our manners be shocking to people from other societies?

CHAPTER 4

Action and Achievement

A: In each of the following questions (1 to 10) choose the one item (a, b, c, or d) that best completes the sentence or has approximately the same meaning as that of the underlined word(s):

1. He is completely inexperienced if he associates with those people he will be misled soon.

- a. misinformed b. deluded c. disturbed d. destructed

2. For gaining admission at National University, great endeavour is required.

- a. knowledge b. attempt c. desire d. intention

3. Mary looks down on people who have never been to college.

- a. attacks b. appreciates
- c. considers as inferior d. dislikes

4. I was vacillating between watching the match from T.V. and going to the stadium.

- a. dashing b. doubtful c. determined d. choosing

5. The attainment of any aim is conditioned upon knowledge, volition and action.

- a. moderation b. exertion c. confirmation d. determination

6. I don't think he can manage to pass the test, but people say he has an ----- spirit.

- a. indomitable b. insensible c. enormous d. irresponsible

7. The Frined's incessant, reular ----- in Nineteen-days feasts is a great encouragement to Local Assembly.

- a. membership b. triviality c. avoidance d. participation

8. And while I ----- these visionary fancies, who is doing the work I am -----?

- a. avoid; responsible for b. enjoy; doing
c. indulge in; neglecting d. indulge in; doing

9. The ----- of faith is fewness of words and abundance of deeds.

- a. fragrance b. nature c. life d. action

10. If we can keep our spirits ----- we are not likely to develop ulcers or other psychosmatic illnesses.

- a. exhusted b. calm c. unyielding d. satisfied

B: In questions 11 - 20 match the given words with one of the words in the columns on the right, which has almost the same meaning:

- | | | |
|----------------|-------------------|------------------|
| 11. trait | a. sustain | k. declare |
| 12. weary | b. dimly | l. shrill |
| 13. contingent | c. fagged | m. hyperactivity |
| 14. prompt | d. characteristic | n. enunciate |
| 15. intimate | e. failure | o. friendly |
| 16. undergo | f. exertion | p. discouraged |
| 17. inertness | g. weight | q. enough |
| 18. burden | h. manifest | r. abundance |
| 19. adequate | i. promulgate | s. indolence |
| 20. vaguely | j. accidental | t. inspire |

C: Paragraph writing through answering the question. In this part of the assignment you will learn how to write short paragraphs through giving complete answers to the questions. In your answers you should avoid 'yes' or 'no' or using pronouns instead of the original nouns. Each answer should be complete independant sentence. For example if the question is "Did the man go into the

house or not?" You should answer: "The man went into the house." Then you should put these sentences or answers together and make a short paragraph.

Read the following instructions very carefully:

1. Read the selected peice which is part of the revelant chapter, two or three items.
2. Write an answer to each question. Each answer must be a complete sentence.
3. Your answers must follow each other. All the sentences together will then make a completer paragraph.
4. Read through your work and correct your mistakes. Provide the necessary words to relate the sentences in thought to each other.
5. Count the number of words in your paragraph. Do not go over the word limit.

At the end of your paragraph write the number of words that you have used.

Inactivity is sometimes the result of fear and discouragement. If one's honest efforts have been met time after time with criticism, harshness, or neglect, one may decide that it is better to be inactive. If parents continually blame or even punish a child who has done his very best at a task, perhaps his increasing inactivity is a sign of intelligence. Discouraged children seldom become contributing, creative adults. Finally lack of adequate activity may be due to absence of strong purposes and ideals. The early life of an individual may not have given him opportunities for developing lively interests. Poverty, illness, too restricted an environment, the fears of his parents, all may account for the weakness of his interests, and therefore of his purposes. A young man of twenty-five who was being treated by a psychologist said he could not think of anything in which he was interested. It was only after several weeks of treatment that he said vaguely that drama might interest him a little. It was through participation in a drama club that he finally came back into contact with active life.

(187 words)

Questions:

Your answers must not be more than 70 words.

21. What is the result of fear and discouragement?

22. How can someone become inactive?
23. How is the future of a discouraged child?
24. What else may cause the lack of adequate activity?
25. What factors may account for failure of development of lively interests?

CHAPTER 5

The Use of Intelligence

A: Choose the best choice.

1. The right of intellect is the highest light that exists, for it is born of the light -----.
 a. knowledge b. Divine c. spirit d. understanding
2. If people want to seek for truth, they must begin by cutting themselves free from all their own special condition and ----- all preconceived ideas.
 a. renouncing b. reminding
 c. recommending d. reducing
3. If religion were ----- to logical reason then it would cease to be a religion and be merely a tradition.
 a. complimentary b. contrary
 c. connecting d. contacting
4. Before a person becomes a Baha'i he has become convinced that Baha'u'llah is the spiritual ----- for this age.
 a. expert b. omniscience
 c. purpose d. superstition
5. The world's ----- hath been upset through the vibrating influence of this most great, this New World Order.
 a. environment b. equilibrium c. development d. civilization
6. However great the importance of human intelligence, it gives only a faint indication of the mind of God.
 a. dim b. clear c. delighted d. distinct

7. No matter how far the human intelligence may advance, it is still but a drop while divine omniscience is the ocean.

a. science

b. factor

c. capacity

d. infinite knowledge

8. One of the basic principles which Baha'u'llah gave to the world is that each individual must investigate truth for himself.

a. consider

b. search

c. choose

d. keep

9. The power of the rational soul can discover the realities of things and penetrate ----- the mysteries of existence.

a. make a decision

b. understand

c. begin

d. complete

10. The use of intelligence is not confined to this earth-life, and we may assume that in the timeless of eternity.

a. related

b. limited

c. endowed

d. partaken

B: In questions 11 - 20 match the given words with one of the words or phrases in the columns on the right side, which has almost the same meaning.

11. concept

a. notion

k. importance

12. investigation

b. hardened

l. ritual

13. discern

c. imply

m. understand

14. callous

d. parable

n. tenure

15. creed

e. adhere

o. belief

16. effulgent

f. generalized

p. vibrate

17. equilibrium

g. state of balance

q. firm trust

18. significance

h. reconcile

r. careful study

19. confront

i. reconcile

s. feasible

20. confidence

j. face with

t. radiant

C: Read unit 5 carefully and answer the following questions:

21. What is the first and foremost among the favours which God hath conferred

upon man?

22. What is the meaning of independent investigation?

23. What is the difference between the investigating mind and callous mind?

CHAPTER 6

The Use of Money

A: In exercises 1 - 10 select the one choice that gives the (approximate) equivalent of the underlined word(s), or best completes the given sentence.

1. It is incumbent on every parent to send his/her children to school.

- | | |
|------------------------------|------------------------------------|
| a. It is to the interest of | b. It rests as a duty upon |
| c. It depends on the will of | d. It is left to the discretion of |

2. A loaf of bread may be despised by him who is no longer hungry.

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| a. greatly appreciated | b. considered priceless |
| c. considered worthless | d. eagerly sought |

3. Many species of animals ----- food for future use.

- | | | | |
|--------------|-----------|----------|----------|
| a. intervene | b. afford | c. share | d. hoard |
|--------------|-----------|----------|----------|

4. He is driving me mad by this unreasonable demands.

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| a. not acceptable to a sound mind | b. not disproveable by reasoning |
| c. undeviating | d. consistent |

5. It is very difficult or almost impossible to change ----- that have been formed during childhood.

- | | | | |
|--------------|--------------|-----------------|------------------|
| a. attitudes | b. wardrobes | c. expenditures | d. contributions |
|--------------|--------------|-----------------|------------------|

6. The payment of hoghugh-ollah will contribute to the elimination of ----- within our society.

- | | | | |
|---------------|---------------|---------------|------------|
| a. possession | b. precedence | c. prosperity | d. poverty |
|---------------|---------------|---------------|------------|

7. He always lends his books grudgingly to his classmates.

- | | | | |
|---------------|---------------|----------------|---------------|
| a. graciously | b. generously | c. unwillingly | d. undeterred |
|---------------|---------------|----------------|---------------|

8. She spends her money in wasteful ways. So, we may call her -----.

- | | | | |
|---------|-----------|-------------------|----------------|
| a. just | b. stingy | c. extra ordinary | d. extravagant |
|---------|-----------|-------------------|----------------|

9. His rude remarks and impolite behavior ----- everybody at the party.

- a. embarrassed b. exclaimed c. encountered d. entertained

10. Accuracy in the expression of one's ideas will help to prevent misunderstanding.

- a. Aggressiveness b. Exactness
c. Profession d. Circulation

B: In exercises 11-20 match the given word with a word or phrase in the columns to the right.

- | | | |
|------------------|------------------------|-------------------------|
| 11. indigent | a. budget | k. find fault with |
| 12. distressing | b. limit | l. weak |
| 13. bound | c. be fond of | m. laundry |
| 14. criticize | d. good-looking | n. poor |
| 15. stingy | e. borrower | o. four-footed animal |
| 16. handsome | f. painful | p. afterwards |
| 17. philanthropy | g. spending wastefully | q. hoarding |
| 18. beast | h. prescription | r. viewpoint |
| 19. feeble | i. announce | s. spending unwillingly |
| 20. declare | j. vouchsafe | t. careless |

C: Read the following passage, and then select the correct choice in exercises 21-23:

The person who hoards may also be extravagant, but this is not always true. The hoarder is distrustful of the future; he thinks, 'I don't need things now, but the future is so uncertain, and I may need them sometime. Hoarding is often the result of living in great poverty as a child, and one should feel sympathy with those who have been so deprived. But we should try to help this type of hoarder that he does not have to be in bondage to his past ... The stingy person objects to a fair sharing; he is nearly unjust.

21. According to the above passage, a hoarder:

- a. is not trustful
- b. does not need things now
- c. is often uncertain of the future
- d. is also extravagant

22. The above passage claims that:

- a. hoarding results from poverty
- b. hoarding may be trait that was acquired during childhood.
- c. sympathy will help the hoarder to get rid of the bondage to his past
- d. a hoarder realizes that he does not have to be in bondage to his past

23. A stingy person:

- a. is object of a fair sharing
- b. has the objective to share fairly
- c. opposes a fair sharing
- d. means an unjust person

D: Read the following passage and then answer questions 24 - 26.

Economy implies using money, materials, etc., to the best advantage. There are at least three important reasons for being economical: 1) low income, 2) the foolishness of wasting the natural resources of the earth, as well as things that human time energy have made; 3) the desire to share with others.

I have occasionally heard Baha'is speak as though they looked down on small savings. But these in time add up to a considerable amount, and they also show that the individual does not have a wasteful attitude.

24. What does economy mean?

25. Why should one be economical?

26. Why shall we not look down on small savings?

CHAPTER 7

The Development of of Arts and Sciences

A: Vocabulary Multiple Choice

Directions for questions 1 - 10. Choose the one item (a, b, c, or d) which best completes the sentence or has approximately the meaning as that of the underlined word(s).

1. Children are permitted into the hall, ----- they don't make any noise.
 a. as if b. otherwise c. provided that d. however
2. Woe to those who are ----- with ignorance.
 a. satisfied b. confirmed c. contended d. assured
3. Shyness always ----- him from speaking.
 a. possesses b. inhibits c. discards d. imposes
4. Similarly, other sensations which come to him from the outside world are gradually perceived as different from one another.
 a. feelings; noticed b. thoughts; noticed
 c. beliefs; understood d. perceptions; realized
5. She completely disregarded all our objections.
 a. encouraged b. embodied c. surged d. ignored
6. He meditated on the problem for a while before giving his answer.
 a. reflected on b. decided on c. worried about d. imitated
7. He can select elements that are in accord with his purposes and reject patiently elements which are irrelevant.
 a. conform to b. appeal to c. disapprove of d. pursues
8. God has endowed man with intelligence so that he may safeguard and protect himself.
 a. God has directed intelligence towards man
 b. God has bestowed intelligence on man
 c. God has accompanied man by intelligence
 d. God has imposed intelligence on man
9. It is a long time that my sister is giving services to the Cause of God. In fact, a kind of great power has flowed through her.
 a. mediated b. appertained c. permeated d. approached
10. He discovers the use of smiles and laughter in compelling the pleased attention of his family.
 a. incorporating b. applying c. release d. attracting

B: Matching

Directions for questions 11 - 20. Match the words in the left column with their synonyms in the right.

- | | | |
|-------------------|------------------|------------------|
| 11. remarkable | a. distorted | k. curiosity |
| 12. vividly | b. behave | l. keenly |
| 13. feeble-minded | c. spank | m. held back |
| 14. treat | d. dead | n. neglect |
| 15. callous | e. prerequisite | o. use |
| 16. utilize | f. attainment | p. unintelligent |
| 17. inanimate | g. devote | q. squeals |
| 18. inhibit | h. frustrated | r. mankind |
| 19. humanity | i. slavishly | s. considerable |
| 20. acquisition | j. unsympathetic | t. insight |

C: Paragraph Writing

Directions for questions 21 - 26. In this part you should first read the selected passage carefully, then answer the questions in a way that your final work forms a paragraph.

No child can grow up to be a useful member of an organized community without occasionally experiencing the frustrating 'No'. But most parents use this word or its equivalents much more frequently than is necessary or desirable. A considerable part of successful parenthood lies in the provision of an environment in which it is less often necessary to say no. This means, first, the elimination of objects which he must not touch. Second, it means the provision of simple materials which he can use for creative activity. Large blocks or a set of small blocks which he can build into a 'house', colored crayons and large sheets of cheap paper, a lump of clay, hammer and nails and boards, blunt scissors and paste: all of these are much better gifts for a child of five or six than 'toys' which can be used in only one or two ways.

The child in his early years should be encouraged to combine these raw

materials in any way he chooses. Occasionally an adult may work beside the child, building or making some object with the same material the child is using. But if the child shows any tendency to copy slavishly the adult's work, this working together should be discontinued until the child acquires more faith in his own ability to create.

Experimentation with words, sounds, tones, and with movements of his own body, should also be encouraged. As the child grows older, he may need some more direct instruction in the techniques of using saw or plane, paintbrush or drumstick. The danger here is that one might make the child feel that the product of his work must be like that of other children or adults. The child who combines words, colours, or sounds - and bits of wood, metal, or cloth - in new ways is likely to become the creative adult of the future.

Now answer these questions in not more than (110) words.

21. What kind of environment should parents provide for the child?
22. What objects should they provide for the child to play? For what purpose?
23. Should parents encourage him to combine these raw materials as he desires?
24. When should an adult who helps and works with a child discontinue his cooperation? Why?
25. As the child grows older, may he need some more direct instruction?
26. What is the danger here? (begin the answer with 'BUT')

CHAPTER 8

Education in the Home

A: Vocabulary Multiple Choice

Directions for questions 1 - 15. Choose the one item (a, b, c, or d) which best completes the sentence or has approximately the meaning as that of the underlined word(s).

1. It is enjoined upon the father and mother, as a duty, to strive with all effort to train the daughter and the son.

- a. voluntary b. arbitrary c. obligatory d. incumbent

2. Now is the time for humanity to put aside enmity and set out a more ----- procedure in its relations.

- a. intimate b. latent c. frequent d. veritable

3. The act of a person who ----- the moral principles is as unacceptable and rebukable as one who neglects these principles.

- a. coaxes b. transgresses c. exhorts d. signifies

4. A wise boss should know that frequent ----- may result in the worker's dissatisfaction and strike.

- a. hindrances b. retreats c. problems d. censures

5. Train these children with divine exhortations.

- a. admonitions b. prerogatives c. behaviour d. obligations

6. Parents who truly love their child will not pamper him by permitting him to be always the only important and noticeable person.

- a. praise; advising b. oppress; rewarding
c. spoil; allowing d. humiliate; consenting

7. I don't ----- driving too fast in the crowded highways.

- a. agree too b. approve with c. approve of d. agree in

8. Courtesy, is, in truth, a raiment which fitteth all men whether young or old. Well is it with him that adorneth his temple therewith.

- a. dress; praises b. dress; loves
c. garment; loves d. garment; praises

9. Baha'u'llah has emphasized the necessity for education, and the importance of knowledge in many of his Writings.

- a. exalted b. reared c. stressed d. devoted

10. Plague, cholera and small-pox were the three most fatal ----- diseases in the history.

- a. contagious b. current c. infectious d. malignant

11. To oppose knowledge is ignorant, and he who detests knowledge and science is not a man, but rather an animal without intelligence.

- a. contempts b. discards c. disbelieves d. hates

12. Many great figures devoted their life to furnish mankind with great happiness.

- a. joy b. contentment c. felicity d. pleasure

13. What is your ----- Sir?

- I am a dentist.

- a. business b. occupation c. work d. task

14. The children who are at the head of their class must receive premiums.

- a. bounty b. implements c. payment d. attention

15. If you are going to reward Jack you should be ----- considerate.

- Yes, the gift should be selected ----- his taste.

- a. greatly; as b. somehow; in case of
c. very; like d. exceedingly; according to

B: Comprehension

Directions for questions 16 - 25. Read each of the questions based on your understanding of the whole chapter; then, give the right answers.

16. One of the first responsibilities of Baha'i parents is to teach their children the love of God and of the great Messengers.

How can they teach this love to their children? What is the best way?

17. While parents should punish the wrong doings of the children, what other thing should be done accordingly?

18. Why do children need time to be alone?

19. How the dictatorship of a father or mother can later cause the children to reject Baha'i Teachings?

20. How many kinds of education does exist? Which of them is more important?

21. How does a pampered child feel? Why is he weaker than other children of his age?

22. What kind of punishments should be strictly avoided? Give two examples of

such punishments?

Read the following citations from the Teachings and reflect the implications, answering the questions.

"Knowledge is as wings to man's life, and a ladder for his ascent. Its acquisition is incumbent upon everyone."

23. According to the above teaching is, education voluntary or obligatory in Baha'i faith? Why?

"Education must be considered as most important; for as diseases in the world of bodies are extremely contagious, so, in the same way, qualities of spirit and heart are extremely contagious."

24. What is the most significant implication in the above citation?

"Endeavour with heart, with life, to train your children, especially the daughters. No excuse is acceptable in this matter."

25. Why are training of daughters is so important and necessary?

CHAPTER 9

Education in Schools

A: In exercises 1-10 select the one choice that best completes the given sentence, or gives the (approximate) synonym of the underlined word(s):

1. When we do not engage in some kind of useful activity, we will ----- our time.

- a. wind b. wipe c. waste d. wait

2. You shall ----- the room. The air inside is no longer fresh.

- a. educate b. ventilate c. indicate d. activate

3. By drawing that picture, she has demonstrated her level of ----- and skill.

- a. ingenuity b. instrument c. equipment d. establishment

4. It's a pretty room. All its walls have been adorned with paintings and pictures.

- a. discussed b. distinguished c. dedicated d. decorated

5. He doesn't have any sense of ----- . He can't tell even one single joke.

- a. human b. humor c. guidance d. fragrance

6. Don't be so ----- . There is no need to pay great attention to small points.

- a. interested b. indifferent c. subtle d. scrupulous

7. ----- is the science of teaching.

- a. Psychology b. Pedagogy c. Pharmacology d. Physiology

8. There is no need to prove this matter. It is quite clear and ----- .

- a. self-evident b. c. marvelous d. mural
self-sustained

9. Anything that makes progress less easy is a ----- .

- a. consideration b. endeavor c. drawback d. tutorship

10. The first spaceship that took man to the moon was ----- from Cape Canaveral in July 1969.

- a. launched b. landed c. fascinated d. founded

B: In exercises 11 - 20 match the given word or phrase in the columns to the right:

- | | | |
|-------------------|---------------|-----------------------|
| 11. marvelous | a. contribute | k. insight |
| 12. gem | b. evaluate | l. unreasoning belief |
| 13. endeavor | c. curb | m. improvement |
| 14. refute | d. incumbent | n. strong interest |
| 15. efficient | e. disprove | o. capable |
| 16. investigation | f. content | p. prejudice |
| 17. synagogues | g. jewel | q. wonderful |
| 18. enthusiasm | h. curriculum | r. consultant |
| 19. superstition | i. effort | s. fluent |
| 20. eloquent | j. examine | t. assembly of jews |

C: Read the following passage, and then select the correct choice in exercises 21 - 23.

Since the amount of intelligence which is actually functioning in each of the

children in a class often gives such a wide range in mental age: the teacher must take this into consideration in planning the content of lessons and methods of working. He should vary the amount and complexity of the material, so that each pupil feels confident that he can learn. A child who does poor work in arithmetic may do very well in writing and speaking; praise for the latter may give him courage to work harder to improve the mathematics. A boy's interest in satellites and spaceships may stimulate him to improve his reading, in order to be able to read books in the field that fascinates him. A school which values excellence in many kinds of achievement will provide for individual differences in ability better than one that gives the major emphasis to narrowly academic work.

21. According to the above passage,

- a. children differ in the amount of their intelligence.
- b. teachers must consider the planning of the content of lessons.
- c. individual differences regarding the amount of intelligence must be taken into account when the content of lessons are planned.
- d. the content of lessons and methods of working need precise planning.

22. The above paragraph implies that:

- a. if a teacher does not present any complex material, every pupil will learn the lesson.
- b. complex material makes pupils feel inconfident.
- c. pupils that feel confident can learn.
- d. if the complexity of the material is proportional to the amount of intelligence of the pupils, every child will be assured that he or she can learn.

23. According to the passage,

- a. not every child does well in writing or reading.
- b. not every child does well in mathematics.
- c. if a child is praised for its abilities, it may improve its performance in the fields where it has weaknesses.
- d. a boy's interest in satellites and spaceships improves his reading ability.

D: Answer the following questions with reference to the contents of the chapter:

- 24. Why should a good teacher try to understand the motivations of each individual child?**
- 25. What's the purpose of a school?**
- 26. What's the reason that some children talk too much and do not give others time to speak?**

CHAPTERS (10-13)

Questions:

- 1. Is the importance of the equality of the sexes limited to the life in the home? What is its wider significance?**
- 2. What is the duty of men in establishing the equality of the sexes?**
- 3. How women can help that the equality of the sexes be established and attained?**
- 4. What is cultural conditioning? Provide some examples.**
- 5. How can the people who have been conditioned to think that one sex is superior to the other change?**
- 6. What should be the intention in marriage?**
- 7. According to Abdu'l-Baha what should a wife and a husband do when differences present?**
- 8. What is / are the purpose(s) of requiring the consent of the parents in a marriage?**
- 9. What will parents who are true Baha'is do in considering whether to give consent to a marriage?**
- 10. To Baha'is, what is the true marriage ceremony?**
- 11. Why should divorce very seldom be necessary among Baha'is?**
- 12. What are the characteristics of a fair person?**
- 13. Why "protecting your health" can be a way of being fair to yourself?**
- 14. How can you be honest with yourself?**
- 15. What happens when men are not equal before the law?**

16. Does the Baha'i concept of equality imply that all men and women are equal in education, in skill and achievement?
17. What is the essential characteristic of Baha'i consultaion?
18. What opportunity do Baha'is have in "Spiritual Conference"?
19. What should the attitude of committee members be and who should foster this attitude?
20. What should a chairman do when he is feeling discourage about the progress of the work in a committee?
21. What should we do when we have clearly stated an idea during consultation period any why?
22. When a member of a consulting group is presenting an idea, what should others do?
23. When should the most important questions be presented in consultation group?
24. According to Abdu'l-Baha why should we be happy?
25. What kinds of tests and trials do we have?
26. Does the command to be joyful and happy mean that we need experience no problems? What does it mean?
27. Why some tests and trials are sent to men be God?
28. Why some tests and trials seem impossibly difficult?
29. How can we be happy in the face of problems which are due to our own weaknesses and errors?
30. When God sends us difficult problems we often cannot see their usefulness for our own development and we may be unhappy. Why it is so?
31. What is the purpose of "escape mechanisms"?
32. Why a Baha'i to heal himself and others uses prayers of Baha'u'llah and Abdu'l-Baha?
33. What are the advantages of growing older?
34. In what condition, old age need not be a serious problem and it should be better than before?

35. What does it imply, when the aged refuse financial assistance when they need it?
36. What can older Baha'is who have retired from business or a profession do? Provide some examples.
37. Why are some people afraid of dying?
38. How can we be free from the fear of dying?
39. What will happen when we have acquired a deep inner conviction to continue to live through the unthinkable ages of eternity?
40. What should we do instead of encouraging others in a negative attitude towards life's difficulties?

جواب تمرينات

Chapter 2:

- | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|
| 1. b | 2. c | 5. c | 6. b | 7. d |
| 13. n | 14. q | 17. g | 18. t | 19. s |
| 21. a | 23. a | 24. b | 25. c | |

Chapter 3:

- | | | |
|-------|-------|-----------------|
| 4. b | 5. b | 6. c |
| 7. a | 8. d | 11. m |
| 12. k | 15. a | 16. r |
| 20. s | 21. b | 22. By making a |
| 23. c | 24. b | 25. d |

Chapter 4:

- | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|
| 4. a | 5. d | 6. a | 7. d | 10. s |
| 11. d | 12. c | 15. o | 17. s | 18. s |

Chapter 5:

1. b	2. a	6. a	7. d	10. b
11. f	14. b	15. o	19. j	20. q

Chapter 6:

1. b	2. c	5. a	6. d	9. a
10. b	13. b	14. k	16. d	18. o
22. a	23. c			

Chapter 7:

4. a	5. d	8. b	10. d	11. s
12. i	15. j	16. o	19. r	20. f

Chapter 8:

4. d	5. a	6. c	11. d	12. c
16. page 95 3rd parag.			17. page 98 2nd parag.	
18. page 96 2nd parag.			19. page 93 1st parag.	
21. page 94 last parag.			22. page 99 line 8	

Chapter 9:

1. c	2. b	5. b	8. a	9. c
12. g	15. o	16. j	19. i	20. s
21. c	23. c	25. page 102 last parag.		

جزوه راهنمای درس انگلیسی ۴